



eBayFarsi

بازارچه خرید و فروش کتاب و محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://eBayFarsi.com>

مجله آنلاین نقد و بررسی محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://mag.eBayFarsi.com>

ویرایش جدید



مِهْرَمَه

جَلْنَوَارَه وَبَ اِمَان



www.mehromah.ir

تازه‌های نشر

کتاب‌های دردست چاپ

مشاهده نمونه صفحات

محتوای تکمیلی کتاب‌ها

محتوای آموزشی

ابلیکیشن‌های آموزشی

انیمیشن‌های آموزشی

خبرنامه

ویرایش نامه

برنامه‌ی نمایشگاه‌های استانی

دریافت بُن تخفیف



مِهْرَمَه
جَلْنَوَارَه وَبَ اِمَان

په‌نام پروردگار مهر باز



پنج گنج ادبیات جامع

ویرایش
جدید
۹۴-۹۵

چهارم | سوم | دوم
آموزش + باانک تست



مهر
روه

رضا اسماعیلی (فسنجه)



واژگان، املاء و ترکیب‌های کنایی
مفاهیم و قرابات‌های معنایی
آرایه‌های ادبی و قالب‌های شعری
تاریخ ادبیات و درآمدها
زبان فارسی و نگارش

پیشتر:

روان‌های روش

و هم او که

روان‌های روش را

در دیداری با همان قلم

دکن رچمه‌ی روش

و در ترنم برگ های از آن خس باد

بر کاغذ زر بکاشت:

است غلام حسین یزدی

فهرست



گنج سوم

آرایه‌های ادبی و قالب‌های شعری

۳۳۰	قالب‌های شعری	درس‌نامه‌ی ۱
۳۳۶	آرایه‌های ادبی	درس‌نامه‌ی ۲
۳۵۰	قالب‌های شعری	پرسشنامه‌ی ۱
۳۵۲	آرایه‌های ادبی	پرسشنامه‌ی ۲
۳۸۱	قالب‌های شعری	پاسخ‌نامه‌ی ۱
۳۸۱	آرایه‌های ادبی	پاسخ‌نامه‌ی ۲



گنج اول

واژگان، املا و ترکیب‌های کنایی

۱۰	واژگان	درس‌نامه‌ی ۱
۵۰	املا	درس‌نامه‌ی ۲
۷۵	ترکیب‌های کنایی	درس‌نامه‌ی ۳
۸۳	واژگان	پرسشنامه‌ی ۱
۹۸	املا	پرسشنامه‌ی ۲
۱۱۵	ترکیب‌های کنایی	پرسشنامه‌ی ۳
۱۱۸	واژگان	پاسخ‌نامه‌ی ۱
۱۲۲	املا	پاسخ‌نامه‌ی ۲
۱۲۶	ترکیب‌های کنایی	پاسخ‌نامه‌ی ۳



گنج چهارم

تاریخ ادبیات و درآمدتها

۳۹۴	اعلام(چهره‌ها، آثار و ...)	درس‌نامه‌ی ۱
۴۳۴	درآمدتا	درس‌نامه‌ی ۲
۴۴۵	اعلام(چهره‌ها، آثار و ...)	پرسشنامه‌ی ۱
۴۵۹	درآمدتا	پرسشنامه‌ی ۲
۴۶۷	اعلام(چهره‌ها، آثار و ...)	پاسخ‌نامه‌ی ۱
۴۶۹	درآمدتا	پاسخ‌نامه‌ی ۲



گنج دوم

مفاهیم و تناسب‌های معنایی

۱۲۸	ادبیات سال دوّم	درس‌نامه‌ی ۱
۱۵۶	ادبیات سال سوم	درس‌نامه‌ی ۲
۱۸۵	ادبیات سال چهارم	درس‌نامه‌ی ۳
۲۱۶	ادبیات سال دوّم	پرسشنامه‌ی ۱
۲۴۵	ادبیات سال سوم	پرسشنامه‌ی ۲
۲۷۴	ادبیات سال چهارم	پرسشنامه‌ی ۳
۳۰۶	ادبیات سال دوّم	پاسخ‌نامه‌ی ۱
۳۱۲	ادبیات سال سوم	پاسخ‌نامه‌ی ۲
۳۱۹	ادبیات سال چهارم	پاسخ‌نامه‌ی ۳

گنج پنجم

زبان فارسی و نگارش

۵۸۳	نامطابق‌های املایی	پرسشنامه‌ی ۱۷	واحدهای زبانی	درسنامه‌ی ۱
۵۸۴	کلمات دخیل در املایی	پرسشنامه‌ی ۱۸	ساختمان واژه	درسنامه‌ی ۲
۵۸۵	ویرایش	پرسشنامه‌ی ۱۹	گروه فعلی	درسنامه‌ی ۳
۵۸۹	مرجع‌شناسی و اسناد	پرسشنامه‌ی ۲۰	مطابقت نهاد و فعل	درسنامه‌ی ۴
۵۹۱	واحدهای زبانی	پاسخنامه‌ی ۱	جمله و اجزای آن	درسنامه‌ی ۵
۵۹۸	ساختمان واژه	پاسخنامه‌ی ۲	گروه اسمی	درسنامه‌ی ۶
۶۰۲	گروه فعلی	پاسخنامه‌ی ۳	نقش‌های دستوری	درسنامه‌ی ۷
۶۰۳	مطابقت نهاد و فعل	پاسخنامه‌ی ۴	قواعد ترکیب	درسنامه‌ی ۸
۶۰۳	جمله و اجزای آن	پاسخنامه‌ی ۵	نظام معنایی زبان	درسنامه‌ی ۹
۶۰۷	گروه اسمی	پاسخنامه‌ی ۶	نقش‌های زبان	درسنامه‌ی ۱۰
۶۰۹	نقش‌های دستوری	پاسخنامه‌ی ۷	نگارش تشریحی	درسنامه‌ی ۱۱
۶۱۱	قواعد ترکیب	پاسخنامه‌ی ۸	زندگی نامه‌نویسی	درسنامه‌ی ۱۲
۶۱۲	نظام معنایی زبان	پاسخنامه‌ی ۹	بازگردانی	درسنامه‌ی ۱۳
۶۱۲	نقش‌های زبان	پاسخنامه‌ی ۱۰	آشنایی با نوشته‌های ادبی	درسنامه‌ی ۱۴
۶۱۳	نگارش تشریحی	پاسخنامه‌ی ۱۱	طنزپردازی	درسنامه‌ی ۱۵
۶۱۳	زندگی نامه‌نویسی	پاسخنامه‌ی ۱۲	املای همزه در فارسی	درسنامه‌ی ۱۶
۶۱۳	بازگردانی	پاسخنامه‌ی ۱۳	نامطابق‌های املایی	درسنامه‌ی ۱۷
۶۱۳	آشنایی با نوشته‌های ادبی	پاسخنامه‌ی ۱۴	کلمات دخیل در املایی	درسنامه‌ی ۱۸
۶۱۴	طنزپردازی	پاسخنامه‌ی ۱۵	ویرایش	درسنامه‌ی ۱۹
۶۱۴	املای همزه در فارسی	پاسخنامه‌ی ۱۶	مرجع‌شناسی و اسناد	درسنامه‌ی ۲۰
۶۱۴	نامطابق‌های املایی	پاسخنامه‌ی ۱۷	واحدهای زبانی	پرسشنامه‌ی ۱
۶۱۴	کلمات دخیل در املایی	پاسخنامه‌ی ۱۸	ساختمان واژه	پرسشنامه‌ی ۲
۶۱۵	ویرایش	پاسخنامه‌ی ۱۹	گروه فعلی	پرسشنامه‌ی ۳
۶۱۶	مرجع‌شناسی و اسناد	پاسخنامه‌ی ۲۰	مطابقت نهاد و فعل	پرسشنامه‌ی ۴

آزمون‌های جامع



۶۱۷	جامع تالیفی	آزمون ۱	واحدهای زبانی	پرسشنامه‌ی ۱
۶۱۹	سراسری خارج از کشور	آزمون ۲	ساختمان واژه	پرسشنامه‌ی ۲
۶۲۲	سراسری ۹۴ علوم ریاضی	آزمون ۳	گروه فعلی	پرسشنامه‌ی ۳
۶۲۴	سراسری ۹۴ علوم تجربی	آزمون ۴	مطابقت نهاد و فعل	پرسشنامه‌ی ۴
۶۲۷	سراسری ۹۴ علوم انسانی	آزمون ۵	جمله و اجزای آن	پرسشنامه‌ی ۵
۶۲۹	سراسری ۹۴ هنر	آزمون ۶	گروه اسمی	پرسشنامه‌ی ۶
۶۳۱	سراسری ۹۴ زبان‌های خارجی	آزمون ۷	نقش‌های دستوری	پرسشنامه‌ی ۷
۶۳۵	پاسخنامه‌ی تشریحی		قواعد ترکیب	پرسشنامه‌ی ۸



مقاله

و با نگاه عاشقانه به خوشید
ش کوفا شویم
والن کاد در امتداد نیم صبح
در نیم کل پونه های بهاری
چار شویم

ای نورستخان در عبور پاد
نشسته در رویایی سلکشن
بر خیریم و به خود آیم
به ملام افتاب کردان
بر ساقه‌ی باور باستیم

زبان شیرین فارسی، در رهگذر تاریخ، بستر انتقال دانش و فرهنگ و هنر به سرتاسر گیتی بوده است؛ به گونه‌ای که گستره‌ی فرهنگی آن، بخش‌های وسیعی از دنیا‌ی قدیم از آسیای میانه تا آسیای صغیر و از بین‌النهرین تا شبه قاره را در بر می‌گرفته و قرن‌های متتمدی به عنوان زبان رسمی و فرهنگی و بین‌المللی آن سرزمنی‌ها به کار می‌رفته است.

این زبان سترگ و فاخر، تهمتن گونه از خوان‌های گونه‌گونی که اقوام بیگانه فرا راه او گسترانیده‌اند، همیشه سربلند و پیروز بیرون آمده و پیوستگی تاریخی خود را حفظ نموده است. این زبان گران‌سنگ برخلاف بسیاری از زبان‌ها - که در برابر زبان‌های اقوام مهاجم، موجودیت و هویت خود را از دست داده‌اند - نه تنها موجودیت و هویت خود را حفظ کرده است، بلکه مغرونه به خود می‌بالد و جاودان بر اسب زرافشان خود می‌چمد.

وانگهی این سخنی گراف نیست که آلفونس دوره، نویسنده‌ی فرانسوی می‌گوید: «آن گاه که ملتی مغلوب و مقهور بیگانه گردد، تا زمانی که زبان خویش را حفظ می‌کند، گویی کلید زندانش را در دست دارد.» حقیقت امر همین است، زبان، کلید پیروزی و نشانه‌ی استقلال یک ملت است. مردمی که از زبانی پرمایه و توان‌مند برخوردارند، بدون شک از اندیشه‌ی بارور و غنای فرهنگی افزون‌تری هم بهره‌منداند.

زبان آیینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ و هنر و ادب یک ملت است؛ بنابراین هر جا و هرگاه از حفظ و تقویت و گسترش فرهنگ و ادب یک ملت سخن به میان می‌آید، طبیعتاً در کنار آن بحث حفظ و تقویت و گسترش زبان نیز به عنوان یک عامل اساسی و تأثیرگذار باید مورد توجه واقع شود. از این رو بر ما بایسته و شایسته است که ادبیات این سرزمنی و آیینه‌ی تمام‌نمای آن، زبان فارسی را نه برای کنکور، بلکه عاشقانه بخوانیم و بیاموزیم و از آن لذت ببریم و هرگز به خود اجازه ندهیم که تکواز بازی‌ها و آرایه‌سازی‌های کنکوری، شیرینی زبانی را که روزگاری طوطیان خطه‌ی هند و بنگاله را شکرشکن می‌کرد، از ما بگیرد؛ و گزنه «من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم.»

حکایت پنجه:

كتابي که پيش روی شمامست - همان گونه که از نامش هويداست - پنج گنج (بخش) دارد و هر پنج مبحث اصلی زبان و ادبیات فارسي کنکور را در بر می گيرد. به جرأت می توان گفت، پنج گنج، كامل ترین و جامع ترین كتابي است که تاکنون در زمينه‌ی زبان و ادبیات فارسي ویژه‌ی کنکور تألیف شده است و هدف از تألیف آن صمیمی تر کردن دانش آموزان عزیز با زبان و ادب فارسی و پاسخ به این نیاز که همه‌ی مباحث مربوط به این درس را به طور كامل و یکجا و در یک كتاب، با شیوه‌ای نو بیاموزند و دیگر وقت خود را صرف خواندن مطالب پراکنده و بعضًا غير ضروري ننمایند.

پنج گنج کتاب به شرح زیر است:

گنج اول: این بخش، فهرست کاملی از واژه‌ها و گروههای املایی و ترکیب‌های کنایی را در قالب سه درس‌نامه در بر می‌گیرد. از ویژگی‌های مهم و بارز آن، این است که در درس‌نامه‌ی ۱ جهت تثبیت واژه‌ها و معانی آن‌ها در ذهن، هر واژه را به صورت کاربردی و در قالب مثال‌ها و نمونه‌های منثور و منظوم و یا به شکل دسته‌بندی‌های واژگانی آموزش می‌دهد. از سوی دیگر در درس‌نامه‌ی ۲ برای تسهیل در یادگیری صورت املایی واژه‌ها، از گروههای املایی با ذکر معنی و یا یکی از روابط معنایی و خویشاوندی آن‌ها یعنی تراوُف، تضاد، تناسب و هم‌خانوادگی استفاده می‌کند. همچنین در درس‌نامه‌ی ۳ فهرست کاملی از ترکیب‌های کنایی را -که مفاهیم آن‌ها ضروری است- ارائه می‌دهد. این ترکیب‌ها از دو جهت دارای اهمیت‌اند: یکی اینکه خود آن‌ها به طور جداگانه ارزش سؤالی دارند و دیگر اینکه به شما کمک می‌کنند تا بهتر مفاهیم بیت‌ها و عبارت‌ها را درک نمایید. در پایان این گنج، پرسش‌های تفکیک و طبقه‌بندی شده‌ی چهارگزینه‌ای مناسب با هر درس‌نامه همراه با پاسخ آن‌ها آمده است.

گنج دو: این بخش در بردارنده‌ی مفاهیم بیت‌ها و عبارت‌های ادبیات ۲، ۳ و ۴ (پیش‌دانشگاهی) است. در هر درس، ابتدا بیت‌ها و عبارت‌های مهم که ارزش سؤالی دارند -سطر به سطر- همراه با نکته‌ها، معانی، مفاهیم و بیت‌ها و عبارت‌هایی که با آن‌ها قرابت و تناسب معنایی دارند، می‌آید و سپس در پایان آن درس، یک و گاهی دو تست نمونه -که پاسخ آن‌ها در پاورقی آمده است- ارائه می‌شود. یقیناً پاسخ دادن به آن‌ها، در تثبیت معانی و مفاهیم در ذهن تان مؤثر خواهد بود.

در پایان این گنج، پرسش‌های چهارگزینه‌ای تفکیک و طبقه‌بندی شده آمده است که ترجیح داده می‌شود بعد از خواندن هر فصل‌نامه، به پرسش‌نامه‌های مربوط به آن‌ها پاسخ دهید.

گنج سه: این بخش شامل دو درس‌نامه‌ی قالب‌های شعری و آرایه‌های ادبی است. در درس‌نامه‌ی ۱، ابتدا با چند اصطلاح شعری آشنا می‌شوید و آن‌گاه قالب‌های شعری را بر مبنای توضیحات و همراه با شکل‌های هندسی می‌آموزید. در درس‌نامه‌ی ۲، که نسبت به درس‌نامه‌ی ۱، از اهمیت بیشتری برخوردار است، انواع آرایه‌های ادبی را همراه با توضیحات، مثال‌ها و نمونه‌ها فرا می‌گیرید و در پایان نمودار کلی آرایه‌های ادبی را مرور می‌نمایید.

در این گنج نیز در هر درس‌نامه، تست‌های نمونه و در پایان آن تست‌های تفکیک و طبقه‌بندی شده را همراه با پاسخ‌های آن‌ها می‌بینید که با تمرین آن‌ها، یقیناً تشخیص قالب‌های شعری و پیدا کردن آرایه‌های ادبی برای شما آسان خواهد شد.

گنج چهار: این بخش به دو درس‌نامه اختصاص دارد؛ درس‌نامه‌ی ۱، شخصیت‌ها و آثار و درس‌نامه‌ی ۲ درآمدها را در بر می‌گیرد. از ویژگی‌های بارز آن، این است که شخصیت‌ها، آثار، درآمدها و دیگر مباحث مربوط به تاریخ ادبیات را به کمک تصاویر، نمودارها و دسته‌بندی‌های موضوعی آموزش می‌دهد که این شیوه منجر به تثبیت مطالب در ذهن شما خواهد شد. در پایان این گنج، جهت تمرین بیشتر، پرسش‌های چهارگزینه‌ای تفکیک و طبقه‌بندی شده همراه با پاسخ‌نامه، تدارک دیده شده است.

گنج پنجم: این بخش از کتاب شامل بیست درس‌نامه است و همه‌ی مباحث زبانی، دستوری، املایی، نگارشی و ویرایشی زبان فارسی ۳ را - به جز گروههای املایی که همراه با صورت کامل شده‌ی آن‌ها به گنج اول (واژگان و املا) انتقال یافته است- در بر می‌گیرد.

از ویژگی‌های قابل توجه این بخش، آن است که چینش و تقسیم‌بندی درس‌ها گاه بنا بر اهمیت و ضرورت و گاه بر اساس ارتباط موضوعی و یا نقش آن‌ها در تسهیل روند یادگیری پی‌ریزی شده است. در این بخش حتی از درس‌هایی که چندان سؤال خیز نبوده و یا اهمیت کم‌تری دارند نیز چشم‌پوشی نشده است. به طور کلی این بخش به شیوه‌ای نوشته شده است که با مطالعه و تمرین مباحث اصلی آن، قطعاً نگرانی شما در زمینه‌ی زبان فارسی برطرف خواهد شد.

بعد از هر مبحث، تست‌های نمونه، پیش‌بینی شده است و پایان‌بخش این گنج را پرسش‌های چهارگزینه‌ای تفکیک و طبقه‌بندی شده، همراه با پاسخ‌نامه‌ی تشریحی تشکیل می‌دهد که توصیه می‌شود بعد از خواندن هر درس‌نامه، پرسش‌نامه‌ی پایانی مربوط به آن را به دقت بررسی کنید.

القصه، تمام سعی و کوشش نگارنده بر این بوده است که در نگارخانه‌ی مهره‌ماهنو، گنج‌نامه‌ای از مرواریدهای بهامند و تابناک زبان و ادبیات فارسی را به رشتۀ‌ی زیور کشد تا راه‌جویان دانشگاه و شیفتگان این زبان و ادب فاخر را به کار آید و صمیمانه در دل مهربور و آینه‌سان‌شان، رنگ رخسار خوش نماید؛
«تا که قبول افتد و چه در نظر آید.»

در پایان از دل و جان سپاس‌گزارم از:

- ستاره‌ام زهره و روشنای چشمانم سولماز و شهربار که در کنار رنچ‌های پنج گنج، روزهای سختی را با من سپری نمودند.
- سرکار خانم سمیه حیدری که با مژگان دقت، گرد و غبار نشسته بر گنج‌ها را زدودند.
- سرکار خانم ایرانمنش در زمینه‌ی تایپ و آقایان منصور نوری‌سرخانی، مهرداد باستانی و حامد اسماعیلی و خانم مهسا رشید‌دخت که در بازخوانی مطالب یاریگرم بودند.
- اصحاب مهربان انتشارات مهره‌ماهنو به ویژه مدیر محترم آن، جناب آقای احمد اختیاری که با روی‌گشاده و شکیبایی تمام، زمینه‌ی تألیف و انتشار این مجموعه را فراهم نمودند.
- و دیگر عزیزان و بزرگوارانی که مرا در دست‌یابی به پنج گنج، یاری‌رسان و رهنمون شدند.

و اما:

از تمامی صاحب‌نظران و همکاران ارجمند، دانش‌آموزان عزیز و خوانندگان گرامی این مجموعه، صمیمانه خواستارم، دریغ نفرموده، پنج گنج را به گوهر نقد و آرای خود زینت بخشنده؛ بنابراین خواهشمند است، پیشنهادهای اصلاحی و آرای سازنده و راه‌گشای خود را به نشانی panjganj@yahoo.com ارسال نمایند.

وجودتان **سبزینه** و شادی‌هایتان **دیرینه** باد!

رضا اسماعیلی

- اُرسی: نوعی دَرْ قدیمی که عمودی باز و بسته می‌شود. [مجازاً آتاق]
← کلاس ما در اُرسی قشنگی جا داشت.
- اُرغند: خشمگین و قهرآلود [مجازاً دلیر و شجاع]
← بگرای چوازدهای گزره بخوش چو شرزه شیر ارغند
- اُرغون: نوعی ساز بادی ← نام کتابی از اخوان ثالث
- اُرگان: [جمع رکن، پایه‌ها، در اینجا به اعضای بدن، یا عناصر چهار گانه آب، بد، خاک و آتش] است. ← زیبدان دان نه از ارگان
- اِزار: شلوار، لُگ ← هر یک اِزار و لُنگی به میان بسته بودند.
- از جای شدن: عصباتی و خشمگین شدن [= از کوره در رفتن]
← بوشهل بر خشم خود طاقت نداشت؛ نیک از جای بشد.
- آُزل: زمان بی آغاز [مخالف ابد] ← شما چه می‌دانید که ما را با این مشتبی خاک از اُزل تا ابد چه کارها در پیش است.
- اُزدهاپیکر: در شکل و هیئت ازدها، دارای نقش ازدها، تنومند و ترسناک ← تو شاهی و گر اُزدهاپیکری باید بدین داستان داوری
- اُساطیر: [جمع اسطوره] افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم ← در داستان‌ها و اُساطیر ملل آمده است.
- استبعاد: دور شمردن، بعید دانستن ← به این «او» و او استبعد می‌گویند؛ پدر و بدقولی؟! / [چه استبعادی دارد: دور و بعید نیست]
- استجاره: پناه خواستن ← با استجاره در درگاه حق تضیع می‌کرد.
- استخلاص: رهایی جُستن، رهاییدن، رهایی دادن ← چنان باید که همگنان استخلاص بیان را مهم‌تر از تخلص خود شناسند.
- استدعا: تقاضا، تمتا ← استناد استدعای دست‌بوسی دارند.
- استرجام: رحم خواستن ← بر حرف مغلوب که استرجام می‌کرد، رحم نیاورد.
- استتسقا: تشنگی سیراب نشدنی، عطش زیاد [نوعی بیماری]
← بیان بود و تابستان و آب سرد و استتسقا
- استشارة: مشourt کردن، خواستن ← پگاه، به امید استشارة بر اسب نشست.
- استشهادانه‌ی ضحاک را پاره کرد.
- استعفا: درخواست کناره‌گیری از کار ← رئیس با استعفا او موافقت کرد.
- استماع: گوش دادن، شنیدن
← به نظر می‌رسید که تمام سنگ‌ها حالت استماع دارند و گوش می‌کنند.
- استنشاق: چیزی را بُو کردن، بوییدن
← بویی متفاوت از بوهای دیگر استنشاق می‌کرد.
- استیجارت: اجاره کردن ← دوست من در منزل استیجارتی زندگی می‌کند.
- استیصال: از ریشه برکنندن، ناچاری، درمان‌دگی
← گاه عقل از شدت استیصال، از دست می‌رود.
- استیفا: گرفتن تمام و کامل مال از کسی
← وظیفه‌ی ایشان، استیفا حق مظلومان است.
- اسلوب: روش، شیوه و سبک
← از ویزگی‌های اسلوب هندی، خیال‌پردازی است.
- اسلامی: اعمال اسلامی، از طرح‌های هنری مرکب از پیچ و خم‌های متعدد
← خطها و اسلامی‌ها که در هم می‌بینند.

- ایهام: پوشیدگی، پیچیدگی
← این نقش‌ها پر از کنایه و ایهام و اشاره و راز و رمزند.

- آثاث: اسباب و وسائل خانه و زندگی
← خانه و آثاث به گروههای به سمساری رفته بود.

- آتل: درخت گز ← از چوب آتل، کمان ساخت.
- آتنا: میانه، هنگام، حین، وسط ← در این آتنا وقت به آخر آمد.

- اِجاجت: پذیرفتن، قبول کردن، برآوردن
← دستِ اِنابت به امیدِ اِجاجت به درگاه حق بردارد.

- اِجرا: راندن، جاری کردن، روان ساختن، جیره مقرر کردن برای کسی
← اِجرای آن را به تأخیر نمی‌انداخت.

- اِجمال: مختصر، خلاصه‌گویی، ایحاز ← به اِجمال درباره‌ی زندگی او سخن گفته است.

- اِحتراز: دوری، کناره‌گیری، پرهیز ← باید از مصاحب ناجنس، احتراز کرد.

- آحرار: [جمع حُرّاً، آزادگان] ← دست ارادت به ناصر‌الذین عبید الله، معروف به خواجهی احرار زد.

- آحسن: نیکوتر ← آحسن و نیکوتر آن است که به قول خود وفا کند.

- آحسنت: آفرین بر تو (شبه جمله)
← قضا گفت گیر و قدر گفت ده فلک گفت احسنت و مه گفت زه

- اِحصا: برشمردن ← از طریق اِحصا و آمار به بیان آن پرداخت. [احصاء العلوم]

- اِحصار: حاضر کردن، فرا خواندن ← به دنبال وزیر، مر احصار و امر فرمودند.

- آحالم: [جمع حَلَمٌ، خواب‌ها] ← أحالم شیرین، فراموش نشدنی است.

- آحول: دویین، لوج ← از میان همه، شیطان احول افتد.

- آختر: ستاره ← خورده قسم اختنار به پاداشم

- آختر سعد: سیاره‌ی مشتری که سعد اکبر است.

- با شیر سپهر بسته پیمان با آختر سعد کرده بیوند

- اختلاف: رفت‌وآمد ← اختلاف صیادان در آنجا متواتر.

- اخذ: گرفتن، اقتباس

- به وسیله‌ی همین کتب چاپی، شیوه‌ی او را اخذ کرده بود.

- اخگر: پاره‌ی آتش، حرق، شعله‌ی آتش

- پر و بالش به سان اخگر پاره‌های زرین برق می‌زد.

- اُخوت: برادری ← با او پیمان اُخوت و برادری بسته بود.

- اِدب‌یار: [مخالفِ إقبال، بدیختی، پشت کردن

- چه باید نازش و نالش بر اقبالی و اِدب‌یاری

- که تا بر هم زنی دیده، نه این بینی، نه آن بینی؟

- ادعیه: [جمع دعا]، دعاها

- ادعیه‌ی دینی معمولاً با حمد و ستایش الهی آغاز می‌گردد. [ادعیه = اذکار = اوراد]

- آذکار: [جمع ذکر]، ذکرها، وردها

- هنوز صدای اذکار و اوراد آن‌ها به گوش جان‌ها می‌رسد.

- آزابه: گردونه، گاری، بارکش ← ازابه‌ی بی‌رحم زمان همه چیز را له می‌کند.

- اَربَاب مُوَدَّت: دوستان، دوستداران

- عقیدت ارباب مُوَدَّت در موالات تو صافی تر گردد.

- اِرتجالاً: بدیهه‌گویی، بدون اندیشه‌ی قبلی سخن گفتن یا شعری را بی‌درنگ سروden ← اِرتجالاً انشایی می‌ساخت و می‌خواند.



ب. واژه‌های خاص

معادل امروزی واژه

واژه	معادل امروزی
تصدیق: گواهی نامه	امنیّه: (ژاندارمری) منطقه‌ی انتظامی امروزی
باجگاه: گمرک	نظمیّه: (شهربانی) منطقه‌ی انتظامی امروزی
دستور: وزیر	داخله: وزارت کشور [وزیر داخله: وزیر کشور]
دمده: از مُد افتاده	عدلیّه: وزارت یا اداره‌ی دادگستری
دیوان: وزارت‌خانه، کاخ	مالیّه: وزارت یا اداره‌ی دارایی
عامل: فرماندار	اداره‌ی انطباعات: اداره‌ی نگارش و چاپ
عرض: شکایت	دار الطّباعه: چاپ‌خانه
عریضه: درخواست‌نامه، عرض حال، نامه	دار المُلک: پایتخت
مواجب: حقوق	صنایع مستظرفه: هنرهای زیبا
قاپوچی: دربان	

حروف واژه‌ها

- بهجای: جانشین، عوض ← حرام باد اگر من جان به جای دوست بگزینم
- در حق: در حق ← نیکی به جای یاران، فرصل شمار یارا
- تا: [صوت، زنهار، مواطن باش ← پا بر سر سبزه تا به خواری ننهی
- را: (را تخصیص): برای ← ملت خدای را عزوه جل
(رای قسم): سوگند به ← دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
(رای مفعولی): مفعول + را ← به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
به ← که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
از ← علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
برای ← که ز کوی او غباری به من آر تویی را
- (رای فک اضافه) (به جای نقش‌نمای می‌آید و جای مضاف و مضالیه را عوض می‌کند).*) ← تو رادر دل درخت مهربانی (تو را در دل=در دل تو)
- کجا: که ← دلیری کجا نام او اشکیوس همی برخوشید بر سان کوس
- که: از ← جوی مشک بهتر که یک توده گل
اگر ← عشق را خواهی که تا پایان بربی
- گر: یا ← چه باید مرا جنگ زابلستان و گر جنگ ایران و کابلستان
- مگر: امید است ← مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
جز ← فراوان سخن باشد آگنده‌گوش نصیحت نگیرد مگر در خوش
حتماً، قطعاً، هر آینه ← چو خواهی که گویی نفس بر نفس نخواهی شنیدن مگر گفت کس
با ← ترسیدم و پشت بر وطن کردم گفتم من و طالع نگون سارم
در حالی که ← تو می‌ینی و مجنون پیچش مو تو ابرو، او اشارت‌های ابرو
و: مباینت و استبعاد پدر و بدقولی؟!^{**}

*) این نوع «را» در کنکور سراسری ۹۳ رشته‌ی ریاضی مورد سؤال واقع شده است.

**) این نوع «واو» علاوه بر زبان فارسی (۲)، در زبان فارسی (۳) در مثال‌های مربوط به ویرایش زبانی آمده است.

مُعَرِّبُ وَأَذْهَمَا

معرب یعنی عربی شده و در اینجا منظور واژه‌هایی است که از زبان فارسی به زبان عربی رفتند و مطابق قواعد آوایی آن زبان تغییراتی را پذیرفته‌اند.

نحو
اویل
واژگان
آغاز
ا

فارسی	عربی
طیلسان	ضحاک
شوشتر	روستا
گنج	خندق
فرسنگ	خانقه

مُمَالُ وَأَذْهَمَا

واژه‌های مُمَال: آن دسته از واژه‌های عربی یا فارسی که صوت بلند «ء» در آن‌ها به «ي» تبدیل شده است.

- اسلامی ← اسلیمی ← چه می خواهند بگویند این بوته‌ها و خط‌ها و اسلیمی‌ها که در هم می‌یابند.
- سلاح ← سلیح ← کشانی بد و گفت با تو سلیح نبینم همی جز فسوس و مزیح
- میزاح ← مزیح ← مهیمیز ← در زیر مهمیز کودکانه‌ی پیگان یتیم / و در بازار تنگ کوفه...؟
- هلام: هلیم ← از هر دو مرغ، هلیمی نرم و چرب ساختم.

مرکب اتباعی (اتباع)

مرکب اتباعی: ترکیب‌هایی که در آن‌ها لفظ دوم اغلب بی‌معنی است و برای تأکید لفظ اول می‌آید.

برت و پلا	بیهوده	متلاشی	آش و لاش
هاج و واج	متحیر و سرگشته، گیج	فقیر و بی‌چیز	لات و لوت
چرت و پرت	بیهوده	آشتفنگی	هرج و مرج

نمَازُ وَأَذْهَمَا

- دوگانه: نماز صبح ← ای خواجه، این تاس رالحظه‌ای برگیر، تا دوگانه‌ای بگزارم.
- نماز پیشین: نماز ظهر ← بونمر تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود.
- نماز پسین (دیگر): نماز عصر ← چون نماز دیگر (پسین) شد، فراشی که از آن عمرولیث بود، در لشگرگاه می‌گشت.
- نماز شام: نماز مغرب ← من و یاران و مطربان، آنچا چیزی بخوردیم و نماز شام باز گشتمیم.
- نماز چهارمین: نماز عشا ← بوسهل نماز چهارمین نزدیک پدرم آمد و گفت نخواهم رفت تا آن‌گاه که خداوند بخسید.

اسْبُ وَأَذْهَمَا

- آبرش: اسبی که بر اعضا و پیکرش، نقطه‌ها باشد. (در اینجا، مقصود اسب عمرو است). ← که ناگه عمر و آن سپهر نبرد بر انگیخت آبرش، بر افسانه‌گرد
- رخش: اسب سفید که به اسب رستم اطلاق می‌شود. ← رخش، آن طاق عزیز، آن تای بی‌همتا / رخش رخششده [رنگ اسب اسفندیار سیاه بوده است].
- سمنند: اسب زردرنگ [در اینجا مطلق اسب است و به «بُراق»، اسب پیامبر در شب معراج اشاره دارد]. ← مه طاسک گردن سمند.....
- گهره: اسب سرخ رنگ مایل به تیره باز زین و برگ را بر گرده‌ی گهره و گزندها نهادند.
- گزند: اسبی که رنگ آن مایل به زرد و بور باشد.
- گمیت: اسب سرخ رنگ مایل به سیاه [در اینجا مطلق اسب] ← در ریاضی کمیش لنگ بود.

تست نمونه: از کدام بیت «واو» استبعاد دریافت می‌شود؟ (ستجش ۹۱)

- (۱) زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد
 - (۲) اگر آن مراد شبی در کنار ما باشد زهی سعادت و دولت که یار ما باشد
 - (۳) دلق و سجاده‌ی حافظ ببرد باده‌فروش که شرایش ز کف ساقی مهوش باشد
 - (۴) من و انکار شراب، این چه حکایت باشد غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد
- پاسخ: گرینه‌ی «۴» [من و انکار شراب ← یعنی من شراب را انکار نمی‌کنم].

شیطان رجیم: شیطان رانده شده	خزانه‌ی غیب: گنج پنهان	الطف الوهیت: لطف و عنایات الهی
جامع و وضع کننده: مترادف	خازنان و نگهبانان: مترادف	حکمت ربوبیت: دانش الهی
جنیب‌کش فرمان: یدک‌کش فرمان	استحقاق خزانگی: شایستگی پنهان شدن	ذو الجلالی حق: شکوه و بزرگی خداوند
سُفت فلک: دوش آسمان	تفرس و جست‌وجو: مترادف	ملاً‌اعلى: موجودات عالم بالا
غاشیه‌ی اسب: پوشش روی اسب	ابليس پر تلبیس: شیطان پُر فرب	سرنشتر عشق: عشق مانند یک چاقو و بین نوک تیز
مونس غم‌خوارگان: یار غم‌دیدگان	نگاه اعوانه: نگاه یک چشمی (مانند اعور)	تخمیر و سرشن: مترادف
	صفد امانت: امانت صدف‌گونه	صلصال كالفالخار: گل خشک هم‌چون سفال

گروههای املایی ادبیات ۴

درس اول	درس دوم
ابداع و ابتکار: مترادف	تحمیدیه و مناجات: ستایش خداوند و راز و نیاز
مظاہر مَذَبَّیَت: نشانه‌های تمدن	جدبه و کشش: مترادف
آمیال و خواهش‌ها: مترادف	عشق به مبدأ: عشق به خدا
حوزه‌ی تعبیرات: بخش بیان و تفسیر	شرحه‌شرحه از فراق: پاره‌پاره از جدایی
رموز حمزه: نام کتابی	ظن و گمان: مترادف
شاهنامه‌ی منثور: شاهنامه‌ی به نثر نوشته شده	آسرار و رازها: مترادف
ابو المؤید بلخی و ابوطاهر طرسوسی: از نویسنده‌گان	اصرار و پافشاری: مترادف
خصم و دشمن: مترادف	مسطور و پوشیده: مترادف
اساطیر و افسانه‌ها: مترادف	مسطور و نوشته شده: مترادف
اتحاد و همبستگی: مترادف	زهر و تریاق: منضاد، زهر و پادزه‌هر
سنجدیده و منصفانه: حساب شده و عادله	سیر و سلوک: طی کردن مراحل عرفان
ظلم و شقاوت: ستم و بی‌رحمی	حریف و همدم: مترادف
دست‌فرسود عاشه: کهنه شده به وسیله‌ی مردم	اصل و وصل: مبدأ خدا و رسیدن به او
طرد و راندن: مترادف	عارف و اصل: عارف حق‌بین
تأکید بر داد‌پیشگی: تأکید بر عدالت‌ورزی	حکیم و فرزانه: مترادف
استشہادنامه و محضر: مترادف؛ گواهی‌نامه	سزاوار ثنا: شایسته‌ی ستایش
خوالیگر پارسا: آشیز پرهیزگار	عَزَّ و جَلَّ: عزیز و بزرگ
ابليس و اهربیعن: مترادف	جود و جزا: بخشش و پاداش
علاج و درمان: مترادف	سنایی خزنوی: شاعر و عارف قرن ششم
دیوزاد و خبیث: اهربیعنی و ناپاک	حاوی و مشتمل: مترادف
آبزن و حوض: مترادف	آزمند و حریص: مترادف
ضحاک و مردادس: ضحاک و پدرش مردادس	صولت و حمله: مترادف
تبونی و ذنائت: مترادف	حصار و دیوار: مترادف
لُجَهِی بُغض: اعماق کینه و دشمنی	مِناعت فطرت: بلندی طبع
نفتر و تنفر: مترادف و همان‌نواه	حِفْت و مَذَلَّت: مترادف
تب و تاب: جوش و اضطراب	خلصل طمع: خوی حرص
تدبیرهای فرعون‌مابانه: چاره‌گری‌های فرعون‌گونه	دِنائت و پستی: مترادف
فروزش صاعقه: درخشش رعد و برق	همت و اراده: مترادف
مهابت و عظمت: مترادف	
آیین فرزانگان: راه و رسم دانایان	
بارز و برجسته: مترادف	
مایه‌های اسطوره‌ای: پایه و اساس افسانه‌ای	
وجوه عظمت: راههای بزرگی	
نبوغ و استعداد: مترادف	
ادوار حیاتی: دوره‌های زندگی بخش	

ج) نکته‌های املایی

گذاردن / گزاردن

نهادن و قرار دادن ← جمله‌ی هدایا را یکی یکی روی تخت گذارند.
 گذاردن
 جای دادن و مقیم کردن ← هر یک را بناخت و در سرای نیکو گذارد.
 ترک و رها کردن ← آن را که با خدای سر و کاری نیست، نماز گذارد.

ترکیب‌ها : بنیان‌گذار، قانون‌گذار، سیاست‌گذار، تخم‌گذار، پایه‌گذار، قیمت‌گذار، بمب‌گذار

به جا آوردن و ادا کردن ← این تاس را لحظه‌ای بگیر تا دوگانه‌ای بگزارم / ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند.
 گزاردن
 تعبیر و ترجمه کردن ← خواب‌گزار، خواب امیر را به نیکی گزارد / به دستور وی کتاب را به پارسی راه آسان گزارند.
 تبلیغ کردن و رساندن ← پیکان گسیل کرده و پیغام‌ها سوی ولایات و ممالک گزارند.

ترکیب‌ها : سپاس‌گزار، خدمت‌گزار، کار‌گزار، برگزار، نماز‌گزار، حج‌گزار، خواب‌گزار

تشدید

- ۱ نبودن علامت تشدید (=) روی حروف مشدّد (تشدید دار) در کنکور، غلط املایی به حساب نمی‌آید.
- ۲ گذاشتن تشدید اضافی در واژه‌های نظری: عادی، علی‌حده، قضاوت، تقویت، تربیت، تسليت، شفقت و... غلط محسوب می‌شود.

همزه

- ۱ املای واژه‌های همزه‌داری نظیر «مسئله / مسئله»، «نشئت / نشأت»، «جرئت / جرأة»، «هیئت / هیئت» که دارای همزه‌ی مفتوح و حرف ما قبل سکون هستند، به هر دو شکل درست است؛ البته شکل اول آن‌ها برتری دارد.
- ۲ املای واژه‌های همزه‌داری مانند «مسئل» / «مسئل»، «شئون / شؤون»، «رؤوس»، «رؤوف»، «رؤوف» که بعد از همزه صدای «او» می‌آید، به هر دو شکل درست است؛ ضمن اینکه شکل اول آن‌ها ترجیح داده می‌شود.
- ۳ املای واژه‌های فارسی نظری «آینه»، «آینه»، «پائیز» و «پائیز» به همین شکل (بدون همزه) درست است. نوشتن آن‌ها به صورت «آئین»، «آئینه»، «پائیز» و «پائیز» نادرست است. این نکته در ویرایش نیز حائز اهمیت است.

اتصال و انفصال

- ۱ در رسم الخط فارسی امروزی، تأکید بر جدانویسی است؛ بنابراین، فعل‌هایی مانند «بیافشاند، بیافتاد، بیانداخت، بیانگاشت» و دیگر مشتقات آن‌ها را به صورت «بیفشناند، بیفتاد، بینداخت، بینگاشت» می‌نویسیم.
- ۲ املای ساخت واژه‌های عربی، نظیر «اولوالاباب، اولوالامر، ذوالجلال، ابوالعجایب، تحتاللفظی، هوالعزيز، لهذا» به همین شکل نوشته می‌شود.

واژه‌های دو املایی

- برخی از واژه‌ها دو صورت املایی دارند که هر دو شکل آن‌ها درست است:
- (شلیته / شلیطه)، (قرق / قروق)، (هلیم / حلیم)، (آذوقه / آزوقة)، (زغال / ذغال)، (تون / طوس)، (چاوش / چاوش)، (مُسیو / موسیو)
- توجه** واژه‌هایی نظیر «کاوهوس و طاوهوس» با دو «و» نوشته می‌شوند.
- یادآوری** واژه‌ی «نبشتن» به جای «نوشتن» کاربرد تاریخی دارد؛ بنابراین صورت املایی «نبشتن» در متون گذشته‌ی پارسی، درست است:
- «نامه نبشه آمد و به توقيع مؤکد گشت.»



واو معدوله^۱ (تغییر یافته)

به واژه‌هایی مانند «خوان»^۲ [xān] که «واو» آن‌ها در گذشته تلفظ می‌شده است ولی با گذشت زمان، دیگر تلفظ نمی‌شود، واژه‌های «واو معدوله‌دار» گفته می‌شود.

انواع واژه‌های دارای واو معدوله

۱) واژه‌های واو معدوله‌دار با جفت هم‌آوا:

خورد: بن و فعل ماضی از «خوردن»
خُرد: کوچک

خویش: خود
خویش: خویشاوند

خواستن: طلب کردن، قصد کردن
خاستن: بلند شدن

خوان: سفره، بن مضارع از مصدر «خواندن»
خان: بزرگ، خانه، شیار داخل لوله‌ی تنفس

خوار: پست و فرومايه
خار: تیغ (درخت و گل و گیاه)

۲) واژه‌های واو معدوله‌دار، بدون جفت هم‌آوا:

خواجه: طاق نصرت، خواستن، خواهش
خوالیگر: آشپز

خواجه: آقا، بزرگ
خواف، خوارزم و خوانسار: نام منطقه و شهر

پادآوری واژه‌ی «خاییدن» بدون واو معدوله نوشته می‌شود.

تعربین با توجه به معنی واژه‌ها در جمله، صورت املایی مناسب را از داخل پرانتز انتخاب کنید.^۳

دهقان معمر و سال‌خورده با دلی فارغ در (فیاض/ضیاع) خویش به (امارت/عمارت) و زراعت اشتغال داشت. برای (فراغ/فرق) اهل و فرزند با تحمل رنج (فراغ / فرق) به جمع مال حاجت افتاد. حasdan بعد از (الجاج/الهاج) مبالغت و لجاج بر آن قرار نهادند که این حالت بر سلطان عرضه دارند. در جمله با (آتباع/آطیاع) به صحراء درآمدند و بر هنره در مصاف بایستادند و بر وی (غالب/قالب) شدند. تکبیرگویان وی را بکشتند و عمل خود را (غذای/غزای) بزرگ پنداشتند و از قبل آن (صوابی/ثوابی) شگرف طمع داشتند. ملک جرئت گستاخی ایشان در (گذاره/گزاره) سخن بدید، از این رنجور گشت و گفت (لیمتر/لیتمتر) دوستان، اوست که در حال (صورت/سورت) و شدت حق دوستی را (مهمل گذارد/محمل گذارد) در حضور یاران وفا که حکم سهولت (حدز/حضر) داشت، برای تخلید (معاصر/مأثر) گزیده و تأیید مفاخر پسندیده، تاریخی نوشته. آن چه در این جزو (مسطور/مستور) گشت خلاصه‌ی این دو سه کلمه است که وی تقریر کرده است.

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به بخش زبان فارسی، درسنامه‌ی ۱۷، مراجعه نمایید.

۲. ترکیب «هفت‌خوان» به هر دو صورت «هفت‌خوان / هفت‌خان» آمده است.

۳. ضیاع: آب و زمین و درخت، مزرعه/عمارت: آبادانی / فراغ: آسایش/فراق: دوری/الجاج: اصرار/آتباع: حَتَّیْع، پیروان/غالب: چیره/غزا: جنگ/ثواب: پاداش/گزاره: ادا کرد / لیمتر: پست‌تر/سورت: تندی / مهمل گذارد: بیهوذه گرداند/حَضْر: مقابل سفر / مأثر: حَمَّاثَه، نیکی‌ها/مسطور: نوشته شده

ترکیب‌های کنایی

آ

- از جلوی کسی عقب نشستن: کوتاه آمدن در برابر کسی
- از چیزی دست کشیدن: صرفنظر کردن از چیزی
- از خود به در شدن: از خود بی خود شدن، بیهوش شدن
- از خود مایه گذاشتن: با تمام وجود کار کردن
- از دست و زبان برآمدن: توانایی داشتن
- ← از دست و زبان که برآید کز عهدہ شکرش به درآید؟
- از دهن افتادن: مزه‌ی خود را از دست دادن (غذا)
- از زیر سنگ هم شدن: هر اندازه هم مشکل بودن
- از سر بیرون کردن چیزی: به چیزی نیندیشیدن / فراموش کردن آن
- از شاخ آرزو گل عیش نچیدن: به آرزوها نرسیدن و ناکامی
- از شب تاریک سپیده سر زدن: گشايش حاصل شدن
- از شمار اعداد خارج بودن: بی‌نهایت بودن / فراموش شدن
- از طبع گذاشتن: از یاد بردن / فراموش کردن
- از عالم مرگ باز آمدن: از مرگ نجات یافتن (=از آن جهان آمدن)
- از عرش به فرش آمدن: تنزل کردن مقام / از مرتبه‌ی عالی به مرتبه پست آمدن
- از کوره در رفتن: عصبانی شدن (= از جا در رفتن)
- از گنجینه برکسی سرمايه نثار کردن: مهر و محبت کردن در حق کسی
- از گوش افتادن: شنیده نشدن
- از گوششی کلاه شکستن: ناجیز و کوچک بودن
- از نظر (چشم) کسی افتادن: خوار و بی‌مقدار شدن
- از وقت خوبی باز آوردن: آرامش و آسایش کسی را بر هم زدن
- ازدها پیکر بودن: با هیبت بودن / اهریمنی بودن
- اسب برانگیختن: اسب تازاندن
- اسب زدن: اسب تازاندن
- آسرار بر صحرا نهادن: آشکار شدن رازها (رویش گل‌ها و سبزه‌ها)
- اسم روی چیزی گذاشتن: به چیزی توجه داشتن
- اندر مگاک کردن: از بین بردن و تباہ کردن
- انگشت‌نما بودن: معروف و مشهور بودن
- افسانه و افسون بودن: خجالی و غیرواقعی بودن
- اهل من بمیرم تو بمیری بودن: متملق و چاپلوس بودن

الف

- اختر گذشتن: مساعد شدن اوضاع و احوال
- اختر خون خوار کسی بودن: بیچاره و بدیخت بودن
- از آن جهان آمدن: جان سالم به در بردن و از مرگ نجات یافتن
- از آینه‌ی قلب زنگ بردن: کدورت و کینه را از بین بردن
- از این جهان به جهان دیگر رفتن: مُردن
- از بام افتادن: ورشکست شدن و تهی دست شدن
- از پا افتادن: ضعیف و ناتوان شدن
- از پا درآمدن: نابود شدن
- از پس دیوار گوش داشتن: دزدیده گوش دادن (استراق سمع)
- ← مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پیش گوش دارد کسی
- از بی افکندن: نابود کردن (= از بین (ریشه) کندن)
- از ته چاه صدا درآمدن: ضعیف و نارسا بودن صدا
- از جام عایفیت می‌ناب خوردن: روزگار خوبی نداشت
- از جای در رفتن (شدت): عصبانی شدن اینک از جای بشد؛ یعنی به شدت عصبانی شد.

ب

- باب دندان بودن: مناسب و مطابق میل بودن
- با جام باده جفت بودن: اهل خوش گذرانی بودن
- ← تمثمن برآشافت و با توس گفت که رهام را جام باده است جفت
- باران هنگامه کردن: باران شدید باریدن (رگبار)
- بار خانواده را به دوش کشیدن: عهده‌دار و مسئول خانواده بودن
- با کسی طرف شدن: با کسی مقابله کردن



- ❖ معنی ← هر کس که مطابق خواسته های نفسانی خود عمل کند، جایگاه واقعی خود را نشناسد، غیرمنتظره نابود خواهد شد.
- ❖ مفهوم ← نکوهش طمع ورزی و بلندپروازی (زیاده خواهی) / سفارش به دوراندیشی و قناعت

متنااسب با

- ✓ اگر هر چه باشد مرادت خوری / ز دوران همی نامرادی بروی
- ✓ به دست خود سزاگی خویش دیدم / که پا بیش از گلیم خود کشیدم
- ✓ هر کس که تو سنسی کند، او را کنند رام / در دست روزگار بود تازیانه ای
- ✓ ز حد خویش پا بیرون نهادن / بُود سر را به باد قهر دادن
- ✓ پرواز کن ولی نه چنان دور از آشیان / منمای فکر و آرزوی جاهله ای
- ✓ بسیار کس ز پای در آورد اسب آرا / او را مگر نبود لگام و دهنه ای
- ✓ آرزو می خواه لیک اندازه خواه / بر نتابد کوه را یک برگ کاه
- ✓ حد خود بشناس و بر بالا میرا / تانیقی در نشیب و شور و شر
- ✓ نظریه شاخ بلند است مرغ وحشی / الاتش دار کند هر سری که سودایی است
- ✓ از حدود خود منه بیرون قدم / تانیینی آفت رنج و آلم
- ✓ از آن رو سرو باشد تازه و ترا / که پا از مرز خود ننهد فراتر
- ✓ به تو پناه می برم که به حق خویش اکتفا نکنم و از حق خویش پای به در برم و آن چه را که شایسته من نیست، تمتأ بدارم.

شعر حفظی (آواز عشق)

- ❖ ما به فلک بوده ایم، یار ملک بوده ایم
باز همان جارویم جمله، که آن شهر ماست
- ❖ مفهوم ← میل به بازگشت به مقام وصل و مبدأ کل (خدا)

متنااسب با

- ✓ خلق چو مرغلیان زاده ز دریای جان / کی کند اینجا مقام مرغ کزان بحر خاست
- ✓ آمدموچ آست، کشتنی قالب بیست / باز چو کشتنی شکست نوبت وصل و لقاست
- ✓ ما ز دریاییم و دریا می رویم / ما ز بالاییم و بالا می رویم
- ✓ هر کسی کاو دور مائد از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش
- ✓ جان که از عالم علوی است یقین می دانم / رخت خود باز برآم که همان جا فکنم
- [برای آگاهی از بیت های متنااسب بیشتر به درس نی تامه در بخش تحمیدیه مراجعه نمایید.]

- ❖ خود ز فلک بر تریم، وز ملک افزون تریم
زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست

❖ مفهوم ← برتر بودن مقام انسان حقیقی از آسمانها و فرشتگان

متنااسب با

- ✓ نه فلک راست مسلم نه ملک راحاصل / آن چه در سر سویانی بنی آدم از اوست (سوییدا: میان دل)
- ✓ شبی برنشست از فلک در گذشت / به تمکین و جاه از ملک در گذشت
- ✓ بار یابی به محفلی کان جا / جبرئیل امین ندارد بار
- ✓ رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند / بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

- ❖ بخت جوان یار ما، دادن جان کار ما
قالله سالار ما فخر جهان مصطفاست

❖ مفهوم ← حضرت رسول (ص) پیش رو و مقتدای عاشقان جهان

متنااسب با

- ✓ شده او پیش و دلها جمله در پی / گرفته دست جانها دامن وی
- ✓ محل است سعدی که راه صفا / توان رفت جز بر پی مصطفی

❖ صبر کن الان مزدت را می گذارم کف دستت. رجز بخوان.

❖ اشاره ← رجز خواندن کنایه از «خودستایی»

❖ مفهوم ← تمسخر و تحقیر محمد ولی است.

❖ چه قدر همین خود تو، منو تلکه کردی.

❖ معنی ← همین خودت، بسیار با مکر و فربی، اموالم را گرفتی.

نست نونه

● مفهوم جمله‌ای پایانی عبارت «صبر کن، الان مزدت را می گذارم کف دستت.

❖ رجز بخوان با کدام بیت متناسب است؟

- الف) پیاده مرا زان فرستاد تو سوس
- ب) هم اکنون تو را ای نبرده سوار
- ج) کشانی بدو گفت با تو سلح
- د) بینیم همی جز سفسوس و مزیج
- بینیم تا هم اکنون سر اری زمان



درس ۷

سووشون

[دانستان سووشون، توصیف زندگی اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم و سلطه ای انگلیس و بیان دغدغه ها و مسائل عاطفی یک همسر و فادر است.]

❖ شلخته درو کنید تا چیزی گیر خوشچین ها بیاید.

❖ اشاره ← این جمله نشانه‌ی جوان مردی و مناعت طبع یوسف است.

❖ معنی ← (گندمها را) نامرتب درو کنید تا چیزی برای خوشچین ها (بیازمندان) باقی بماند.

❖ مفهوم ← درویش نوازی

متنااسب با

- ✓ ثوابت باشد ای دارای خرمن / اگر رحمی کنی بر خوشچینی
- ✓ خدناوند خرمن زیان می کند / که با خوشچین سر گران می کند
- ✓ دائم گل این بستان شاداب نمی ماند / دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
- ✓ ای صاحب کرامت، شکرانه‌ی سلامت / روزی تقدی کن درویش بی نوا را

❖ ماری که دیشب روی قلبش چنبره زده بود.

❖ اشاره «مار» استعاره از «غم» است.

❖ مفهوم غم و ناراحتی از دست دادن همسر خود که از شب قبل او را آزار می داد.

❖ کدام بلندگویی مردم شهر را این چنین به خیابان کشانده بود؟

❖ مفهوم بیانگر حق طلبی و حرکت خودخواسته و خودجوش مردم

❖ یک جوان را به تیر غیب کشته‌اند.

❖ مفهوم ناشناس بودن شلیک کننده یا قاتل

❖ و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب!

❖ معنی ای خردمندان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست. (بقره ۱۷۸)

متنااسب با

✓ این ندای حق بود که در قصاص / زندگی هست و عدالت بهر خلق

آورد هادن که

❖ هر که آنجا نشیند که خواهد و مرادش بود، چنانش کشند که نخواهد و مرادش نبود.



از جهان و جهانیان بینی

- ❖ تا به جایی رساند که یکی از جهان و جهانیان بینی
- ❖ **اشاره** ← منظور از «یکی» خداوند است.
- ❖ **مفهوم** ← بیانگر اصل عرفانی وحدت وجود
- ❖ **متناسب با**

- ✓ رسید آدمی به جایی که به جز خدابنید/بنگر که تاچه حد است مقام آدمیت
- ✓ یک وجود است و صد هزار صفت/به وجودی ایست این دویی یکتا
- ✓ غیر یکی در دو جهان هیچ نیست/گرچه نماید به ظهر آن دو صد
- ✓ مردان خدا پرده‌ی پندار دریدند/یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند
- ✓ همت طلب از باطن پیران سحرخیز/زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند
- ✓ هر دو عالم یک فروغ روی اوست/گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
- ✓ چون نیکو بنگری در اصل این کارا هم او بیننده هم دیده است و دیدار
- ✓ روحها چون زین بیابان درکنند/جمله سر از یک گریبان بر کنند

تا به عین‌الیقین عیان بینی

- ❖ **با یکی عشق ورز از دل و جان** که یکی هست و هیچ نیست جزو **وحدة‌الله‌الاھو**
- ❖ **اشاره** ← منظور از «یکی» خدااست. / عین‌الیقین: یقینی که از دیدن حاصل شود و در آن شکی نباشد. / دو بیت موقوف‌المعانی است.
- ❖ **مفهوم** ← تأکیدی است بر اصل عرفانی وحدت وجود
- ❖ **متناسب با**

- ✓ شک ندارم که در همه عالم/به جز از حضرت خدا هیچ است
- ✓ غیر یکی در دو جهان هیچ نیست/گرچه نماید به ظهر آن دو صد
- ✓ بودم همه بین چوبیز بین شد چشمدم/دیدم همه تویی و دیگر همه هیچ
- ❖ **توجه** بیت‌های قسمت قبل که بیانگر اصل وحدت وجود هستند، با این قسمت متناسب‌اند.

بار بی‌پرده از در و دیوار

- ❖ **اشاره** ← منظور از «بار» خداوند است / اولی‌البصار: صاحبان بصیرت
- ❖ **مفهوم** ← حضور خداوند در همه جا / وحدت وجود
- ❖ **متناسب با**

- ✓ جهان، عکس رخ مهیکر ماست/همه ذرات از آن رو رهبر ماست
- ✓ با صد هزار جلوه برون آمدی که من/با صد هزار دیده تماساً کنم تو را
- ✓ به صحرابنگرم صحراء ته وینم/ به دریابنگرم دریا ته وینم(ته وینم=تو بینم)
- ✓ اوست گل و سبزه و باغ و بهار/غیر در این باغ جهان هیچ نیست
- ✓ مرد می‌باید که باشد شه شناس/تا شناسد شاه را در صد لباس
- ✓ به نزد آنکه جانش در تجلی‌ست/همه عالم کتاب حق تعالی است

- ❖ **شمع جویی و آفتاب بلند** روز، بس روشن و تو در شب تار
- ❖ **اشاره** ← «شمع» استعاره از «عقل» / «آفتاب و روز» استعاره از «حقیقت خداوند / شب» استعاره از «جهل و نادانی»

- ❖ **معنی** ← حقیقت خداوند همچون آفتاب بلند و درخشان، آشکار است؛ در حالی که تو بانور کم و عقل ناچیز خود دنبال خدا هستی (حقیقت، بسیار آشکار است؛ تو در ظلمت و تاریکی به سر می‌بری.)
- ❖ **مفهوم** ← ناتوانی عقل در شناخت خداوند / نفی عقل در شناخت خدا / نکوهش عقل گرایان
- ❖ **متناسب با**

- ✓ سال‌هادر طلب جام جم از مامی کرد/وآن چه خود داشت ز بیگانه تمثالمی کرد
- ✓ بیدلی در همه احوال خدا با او بود/او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد
- ✓ آفتاب آمد دلیل آفتاب/چون دلیلت باید از وی رو متاب
- ✓ آب در کوزه و ما تشهیه‌بلان می‌گردیم/یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم
- ✓ دلارام در بر، دلارام جوی /لب از تشنگی خشک بر طرف جوی

گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو
✓ گر بر درت مجال گدایی بود مرا / حاشا که التفات به ملک جهان کنم
✓ سلطنت راچه تفاخر که متعاعی است قلیل / جذب‌املاکت فقر که ملکی است کثیر
(جذب: خوش)

هم در آن، پابرهنه جمعی را

- ❖ **اشاره** ← «پابرهنه» کنایه از بی‌چیز و تهی دست / مرجع «آن»، اقلیم عشق است. / فرقان (دو فرقان): دو ستاره‌ی راهمنا در دُبّ‌اکبر، نماد اوج و شکوه است. «پای بر فرق فرقان دیدن» کنایه از «به مقام والایی رسیدن»

معنی ← هم‌چنین در سرزمین عشق، عاشقان تهی دستی را می‌بینی که به مقام بسیار والایی دست یافته‌اند.

- ❖ **مفهوم** ← عاشقان حق، تهی دست اما ولامقام و صاحب کمال / ارزش‌بخشی عشق
- ❖ **متناسب با**

- ✓ چون شبیم او فناهه بدم پیش آفتاب/مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
- ✓ گر نور عشق حق به دل و جانت افتد/بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

دل هر ذرّه را که بشکافی

- ❖ **مفهوم** ← تجلی عظمت و جمال حق در تمامی پدیده‌های عالم / وحدت وجود
- ❖ **متناسب با**

- ✓ جهان را سر به سر آینه می‌دان / به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان
- ✓ درون جهه‌ای صد خرم آمد / جهانی در دل یک ارزن آمد
- ✓ اگر یک قطره را دل بر شکافی/برون آید از آن صد بحر صافی
- ✓ به زیر پرده‌ی هر ذرّه پنهان / جمال جان‌فرزای روح جانان
- ✓ ز خاکی این همه معنی نموده / در او دیدار خود پیدا نموده
- ✓ چشم بینا هر که دارد در جهان / در دل هر ذرّه حق بیند نهان

جان گدازی اگر به آتش عشق

- ❖ **اشاره** ← شاعر شرط دست‌یابی به کیمیای عشق و کمال جان را در گداختن جان در آتش عشق می‌داند.
- ❖ **مفهوم** ← عشق سبب تعالی و کمال انسان می‌شود.
- ❖ **متناسب با**

- ✓ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- ✓ بنیاد هستی تو چوزیر و زبر شود/در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
- ✓ گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟/اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
- ✓ تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تا زآن پس
به هر جانب که روی آری در فرش کاویان بینی

وسعت ملک لامکان بینی

- ❖ **اشاره** ← منظور از «وسعت ملک لامکان» ملکوت اعلی است / گسترده‌ی فرمان‌روایی الهی
- ❖ **مفهوم** ← (باجان گدازی در آتش عشق) از تنگی زندگی مادی رهایی می‌بایی

وملکوت اعلی و گسترده‌ی فرمان‌روایی حق را مشاهده خواهی کرد.

- ❖ **مفهوم** رهایی از دام تعليقات و راه یافتن به عالم غیب به کمک عشق حقیقی
- ❖ **متناسب با**

- ✓ اگر میرم امروز در کوی دوست/قیامت زنم خیمه پهلوی دوست
- ✓ مده تا توانی در این جنگ پشت/که زنده‌ست سعدی که عشقش بکشت

کنخ سوم: قالب‌ها و آرایه‌ها

درس‌نامه‌ی ۱: قالب‌های شعری

بیت زیر از باذل مشهدی در درس حمله‌ی حیدری، ادبیات ۲:
سپرد پرسد آورد شیخ‌الله علم کرد شمشیر آن اُردها
حرف یا حروف پایانی دو کلمه‌ی «الله» و «اژدها» مانند هم نیست.

تست نوونه

قافیه در کدام بیت عیب دارد؟

- (الف) ای خدا ای فضل تو حاجت‌روا
با تو یاد هیچ‌کس نی—ود روا
- (ب) نصیب من چو خرابات کرده است الله
در این میانه بگو زاهدا مرا چه گناه؟
- (ج) نباشم بدین محضر اندر گوا
نه هرگز براندیشیم از پادشا
- (د) ز کار کمان هیچ دارد بسیج؟
سخن رائد از دختر شاه هیچ؟



ردیف

کلمه‌ی کلمه‌هایی که در آخر مصraigها یا بیتها، عیناً از نظر
لفظ و معنی تکرار شود، ردیف نام دارد.

مثال سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
همدم کلن نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
نکته ۱ گاهی ردیف، چند کلمه است (طولانی است):
گهر خود را هویدا کن کمال این است و پس
ردیف

مُؤْيِّش را در حُويشْ بُيدا کنْ كمال این است و پس
ردیف
۲ همان‌گونه که درباره‌ی قافیه گفته شد، چنان‌چه کلمه‌های
پایانی از نظر نوشتار یکسان ولی از نظر معنی متفاوت باشند، در این
صورت آن کلمه‌ها قافیه‌اند نه ردیف:
مثال بِكُفتْ اَرْ دلْ جَدَا كُنْ عَشْقَ شَيْرِينْ
ردیف

بِكُفتْ چونْ رُيمْ بِيْ جَانْ شَيْرِينْ
ردیف
۳ گاهی ردیف و قافیه در یک کلمه جمع می‌شوند:
مثال دل می‌رود اُر دستم صاحب‌دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
کشتنی شکستگانیم ای پاد شرطه پر خیز
پاشد که پاز پینیم دیدار آشنا را
در بیتها فوق «خدا را» و «آشنا را» هر کدام دو کلمه هستند، در
حالی که «آشکارا» یک کلمه است.

۲. پاسخ: گرینه‌ی «د» [حرف آخر قافیه، در واژه‌های «بسیج» و «هیچ» یکسان
نیست].

الف. چند اصطلاح شعری بیت

به هر سطر از یک شعر «بیت» می‌گویند. کمترین مقدار شعر، یک بیت است و هر بیت از دو قسمت تشکیل می‌شود که هر قسمت آن **مصraig** (مصرع) نام دارد.

مثال

به چنان خرم از آنم که چهان خرم از اوست
عاشقم پر همه عالم که همه عالم از اوست
● مصraig
● مصraig

بیت

قافیه

به کلمه‌های غیرتکراری پایان مصraigها و یا بیتها که یک یا چند حرف آخر آن‌ها مشترک است، قافیه گفته می‌شود.

مثال نبینی پاغبان چون گل پکاردن پچ ما یه غم خورد یا کل پدر

بیت مصرع

بیتی که هر دو مصraig آن، قافیه داشته باشد مصرع است.

مثال سحر گاهان نسیم آهسته خیند / چنان کفرگ کل شبنم نمیزد
اما بیت زیر مصرع نیست، چون هر دو مصraig آن قافیه ندارد:
داد معشوقه په عاشق پیغام / کند مادر تو پا من چند

تست نوونه

● کدام بیت مصرع است؟

- (الف) در آن نفس که بمیرم در آزوی تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
- (ب) رونق باغ می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد
غم به کناره می‌رود، مه به کنار می‌رسد
- (ج) جوانی چنین گفت روزی به پیری
که چون است با پیری از زندگانی؟
- (د) ای شاهد افلاکی در مستی و در پاکی
من چشم تو را مانم، تو اشک مرا مانی

نکته ۱ چنان‌چه واژه‌های آخر مصraigها و بیتها عیناً از نظر لفظ
یکسان ولی از نظر معنی، متفاوت باشند، در این صورت آن واژه‌ها
قافیه هستند:

مثال خرامان پشد سوی آب روان / چنان چون شده پاز چوید روان
(جاری)

۲ گاهی بعضی از شاعران، قواعد قافیه را رعایت نکرده‌اند و در
نتیجه به نادرست، دو کلمه را قافیه‌ی شعر خود قرار داده‌اند، مانند

۱. پاسخ: گرینه‌ی «الف» [آزوی و کوی، واژه‌های قافیه هستند].



نحوه همه‌ی قصیده‌ها این اجزا را ندارند؛ به ویژه قصاید امروزی.

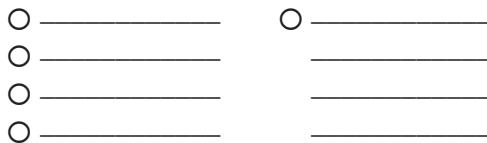
نمونه‌ای از قصیده: (فرخی سیستانی در مدح خواجه احمد حسن میمندی)

← مطلع	ای دل منْ تو را پیشوارت باد که تو رامنْ په دوستِ خواهم داد ټو پدو شادمانه‌ای په چهان شاد باد آن که تو پدويي شاد ټا نگويي که مر مراعرست که کسی دل په دوستِ تقدرس تار دوستِ از منْ تو راهمي طلبد رو پر دوستِ هر چه پادا باد دستِ و پا يش پيوس و مسکن کن زير آن رلکان چون شمشاد ټا زبيداد چشم او پري از بعل او پيابي داد مخاضه پر تو که تو قترون ز عدد آفرینه‌اي خواجه داري ياد مخواجه‌ي سيد ستوده هنر خواجه‌ي پاک طبع پاک نثار عبد الرزاق احمد حسن آنك هيچ مادر چو او کريم نداد از زيران چولوي یکي نتنيست پر پساط جم و پساط قباد فيلسوفي به سر دندايد پر سختي را که او نهد پنياد روزگارش مخصوصه باد و پر او مهرگان فرج و همایون باد
← تخلص	← مطلع
← مقطع	← مطلع

۷ غزل

شعری است که از چند بیت هموزن شکل می‌گیرد و قافیه در آن همانند قصیده در اوّلین مصراع و مصراع‌های دوم (زوج) می‌آید.

شکل هندسی:



- تعداد بیت‌های غزل، معمولاً بین پنج تا پانزده تاست. موضوع و درون‌مایه‌ی آن، عشق و عرفان و بیان عواطف و احساسات است.
- با ظهور انقلاب مشروطه و تحولات سیاسی و اجتماعی، غزل، رنگ و بوی اجتماعی نیز به خود گرفت که از آن تحت عنوان «غزل اجتماعی» یاد می‌شود. بعضی از غزل‌های بهار، عارف، عشقی، و فرقی‌یزدی از این نوع به شمار می‌آید.
- غزل عاشقانه را سعدي و غزل عارفانه را مولوی به اوج خود رساند و حافظ، سرآمد غزل‌سرایان شعر فارسی، غزل عاشقانه-عارفانه را به کمال رساند.

و گذر لحظه رنگی تازه گیری
به غیر از زهد شیرینت نخواهم

تو زهری، زهر گرم سینه‌سوزی
تو شیرینی که شور هستی از توست
شداب چام خورشیدی که چان را
نشاط از تو غم از تو، مستی از توست

بسی گفتند؛ دل از عشق پر گید
که نیرنگ است و افسون است و چادوست
ولی ما دل به او پستیم و دیدیم
که او زهر است اما نوش داروست

تست نمونه

- پاره بیت‌های زیر، یک بند از شعر چهاربندی فربیدون تولی است:

قالب آن چیست؟
بلم آرام چون قوبی سبکبار / به نرمی بر سر کارون همی رفت
به نخلستان ساحل، قرص خورشید / ز دامان افق، بیرون همی رفت

- (الف) رباعی
(ب) قطمه
(ج) دویستی
(د) چهارپاره

● **قصیده**
شعری است که از تعدادی بیت هموزن شکل می‌گیرد و اوّلین مصراع آن با مصراع‌های دوم (زوج) آن هم‌قافیه است.

شکل هندسی:



- تعداد بیت‌های قصیده معمولاً بیشتر از پانزده بیت است و موضوع و درون‌مایه‌ی آن توصیف، مدح، رثا، پند و اندرز، عرفان و حکمت و نظایر این‌هاست.
- به بیت اوّل قصیده، «مطلع» و به بیت پایانی آن، «مقاطع» می‌گویند.

● قصیده از اجزایی تشکیل می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:
الف → تغّلز یا تشبیه: به مقدمه‌ی (پیش درآمد) قصیده گفته

می‌شود که مضمون آن عشق یا توصیف است.

ب → تخلص: به رابطه‌ی میان تغّلز و تنه‌ی اصلی قصیده گفته می‌شود که در واقع نقطه‌ی شروع موضوع اصلی قصیده است.

● **تغّلز** این نوع تخلص، مخصوص قصیده است و بعد از تغّلز می‌آید.

● **تخلص** دیگری هم وجود دارد که ذکر نام یا لقب شاعر است که در پایان شعر، مخصوصاً در غزل می‌آید، مانند:

گفتم زمان عشتر دیدی که چون سرآمد
گفتنا خموش «حافظ»، کاین عضنه هم سرآید

● **تجه** ← تنه‌ی اصلی: مقصود اصلی شاعر است که محتوایی چون مدح، رثا، پند و اندرز، عرفان و حکمت و... دارد.

● رودکی، فرقی سیستانی، منوچهری، انوری، خاقانی، سعدی، بهار، مهدی حمیدی و... از نامداران این عرصه به شمار می‌روند.

1. پاسخ: گرینه‌ی «د»

تست نعونه

- شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟^۱

«باغ بی برگی / خنده‌اش، خونی است اشک آمیز / جاودان بر اسب
یال‌افشان زردش می‌چمد در آن / پادشاه فصل‌ها، پاییز»

(الف) نیمایی (ب) سپید
 (ج) موج نو (د) شعر منثور

۱. پاسخ: گزینه‌ی الف [چون وزن و قافیه دارد. «اشک‌آمیز» و «پاییز»] واژه‌های قافیه هستند.]

ج ← موج نو: مصروعهای آن کوتاه و بلند است اما نه وزن دارد و نه آهنگ. فرق آن با نثر در تختیل شعری است؛ مانند برشی از

اشعار احمد رضا احمدی؛ شعر زیر از اوست:
آن هنگام که در طین خاکستنی رُمسَتَان / زمین را تازیانه می‌زدی / مُون
شُفَّاقیَ از پوسته پر زمین می‌ریخت.

کنج سوم: قالب ها و آرایه ها

درس‌نامه‌ی ۲: آرایه‌های ادبی

ب. یکسانی در حروف آخر (سجع مطرّف): آن که بر دینار دسترس ندارد، در همه دنیا کس ندارد.

کلمه «دسترس» و «کس» هم وزن نیستند فقط در حروف آخر مشترک‌اند.

مثال نمونه‌های دیگر:

اگر در آیی، در پیاز است و اگر نیایی، حق پی نیاز است۔
محبین را غاییت نیست، از پیده آن که محبوب را نهایت نیست.

ج. یکسانی در وزن و حروف آخر (سجع متوازی): طاعتیش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت (است).

دو کلمه‌ی «قربت» و «نعمت» هم وزن‌اند و حروف آخرشان یکی است.
مثال: نمونه‌های دیگر:

هند، چشممهی راینده است و دولت پایینده.
همه کسی را عقاب خود به کمال نماید و فریزند خود به حماه.

مشک آن است که خود پیوید، نه آن که عطار پگوید.
همچو، (بنیاد، دلستگار، انساندار).

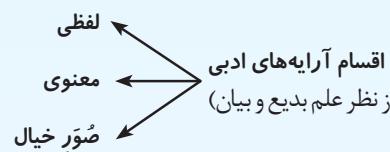
توجه سجع متوازی، زیباتر و خوش آهنگ تر از بقیه‌ی سجع هاست، چون در آن، کلمه‌ها هم وزن هستند و هم حروف آخرشان یکی است.

- سجع در نثر حکم قافیه را در شعر دارد. سجع در کلامی دیده می‌شود که دست کم دو حمله باشد، زیرا سجع دیگر نباشد. دو حمله مرآید.

● آرایه‌ی سجع بیشتر در نثر کاربرد دارد اما در شعر نیز دیده می‌شود، به ویژه آن گاه که در طول یک بیت دو به دو به صورت قرینه و با نظم خاصی بیاند که باعث پیدایش آرایه‌ی موازن و ترصیع می‌شود. در کتاب درس، به این موضوع اشاره نشده است.

نکھجہ	فہم	در	تو	کے	تھیں	تو	وصف	نتوان
نیا رہ	وهم	در	تھے	کے	گھر تھے	شے	نتوانہ	

آرایه‌های ادبی (صنعت‌های ادبی): به تناسب‌های آوایی و معنایی گفته می‌شود که رعایت آن‌ها در یک نوشته یا سروده به جنبه‌های زیبایی و هنری آن بیفزاید.



الف. آرایه‌های لفظی

- انواع آرایه‌های لفظی

 - ۱ سجع
 - ۲ جناس
 - ۳ واج رایی
 - ۴ تکار

١ سجع

آوردن کلمه‌هایی در پایان جمله‌های نشر (در قرینه‌ی کلام) که در وزن یا حرف آخر و یا هر دو (وزن و حرف آخر) یکسان باشند.

- انواع سجع

 - الف) یکسانی در وزن ← (سجع متوازن)
 - ب) یکسانی در حرف آخر ← (سجع مطوف)
 - ج) یکسانی، در وزن و حروف آخر ← (سجع متوازی)

الف. یکسانی در وزن (سجع متوازن) : هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح.
دو کلمه «حیف» و «طرح» که در آخر دو جمله به صورت قرینه ظاهر شده‌اند، هم‌وزن هستند؛ یعنی هر دو همچای یکسان دارند.

مثال نمونه‌های دیگر:
طالب علم عَنْيَرْ است و طالب مال ذَلِيلْ.
مام از پیر آسایش عمر است، نه عمر از پیر گرد کردزم مام.

۲. این تقسیم‌بندی برای سهولت در پادگانی سجع است.

(پیشی 93)

(پیشی 93)

(تجربی 93)

(تجربی 93)

(نسانی 93)

(نسانی 93)

(نسانی 93)

(هنر 93)

(هنر 93)

آرایه‌های تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) صد خار بلاز دل دیوانه‌ی ما خاست
 (۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده
 (۳) سروی است قامت تو از نور آفریده
 (۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه‌ی خال تو دید

آرایه‌های «مجاز، کنایه، متناقض‌نما، حسن تعلیل و اسلوب معادله»، به ترتیب در کدام ایات یافت می‌شود؟

- هر روز که بی‌ساقی گل‌چهره نشستیم
 تا بر دل کسی نن‌شینید غبار من
 ماهی است عارض تو از نور آفریده
 طایر اندیشه‌ام اقتضاد در دام هوس
 (۱) چو دستی متنشا مانند در دستش
 که باشد نعل در آتش به دست دیو خاتم را
 به غیر از اشک حسرت نیست باری نخل ماتم را
 که دشوار است تنها بر گرفتن بار عالم را
 چون کند گردآوری گل بوی غارت برده را
 گردن کشی به خاک نشاند نشانه را
 (۲) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۳) چاه چونان ژرف و پهنهش، بی‌شمیش نایاور / و غمانگیز و شگفت‌آور.
 (۴) چو دستی متنشا مانند در دستش

(تجربی 93)

- توان در چشم موری کرد خرمن حاصل ما را
 به پای دوست در افکند جان شیرین را
 تا از مژه هر ساعت لعل ترت افشنام
 که عصرا داشت از دره‌ها کند
 ولی اجل به ره عمر رهزن امل است
 (۱) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۲) چاه چونان ژرف و پهنهش، بی‌شمیش نایاور / و غمانگیز و شگفت‌آور.
 (۳) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۴) چو دستی متنشا مانند در دستش

- که کوه عشق به ناخن توان تراشیدن
 به سان شمع شبستان خوش است لرزیدن
 تویی چو چشمی خورشید در درخشیدن
 منم که شهره‌ی شهرم به عشق ورزیدن
 در بیت زیر تمامًا وجود دارد.

- «تا اثر از نقش پای ناقی لیلی به جاست / دامن صحراء بر این دیوانه دامان گلی است»
 (۱) کنایه، ایهام، تلمیح
 (۲) تشبیه، تشخیص، جناس
 (۳) استعاره‌ی مکنیه، تلمیح، تشبیه
 (۴) استعاره‌ی مصراحه، مراتعات نظیر، تشخیص
 ترتیب قرار گرفتن ایات به لحاظ داشتن آرایه‌های استعاره‌ی مکنیه، لف و نشر، اغراق، ایهام و جناس، کدام است؟
 که می در ظلمت شب عین آب زندگانی بود
 دولت آمد، خفته‌ای برخیز و در بگشای زود
 از نهاد نه رواق چرخ دوداند دود
 رود را بر ساز کن مطرب که دل دادم به رود
 سمع ارغونی و شراب ارغوانی بود
 (۱) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۲) چاه چونان ژرف و پهنهش، بی‌شمیش نایاور / و غمانگیز و شگفت‌آور.
 (۳) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۴) چو دستی متنشا مانند در دستش

- پیر مازخنه‌ی خود چاک زد و ترسا شد (استعاره - کنایه)
 دل در بلای درد به درمان نمی‌رسد (تشیه - موازنه)
 عن خواه از حد زیلان زن شمس‌للن می‌رسد (حسن تعلیل - تشخیص)
 دشوار می‌نماید و آسان نمی‌رسد (تضاد - لف و نشر)

- که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
 بر کرده ز در و درم و دانه‌های دهان را
 جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود
 غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

- (۱) الف) به اندک فرستی از سفله رو گردان شود دولت
 (۲) ب) مرا بر خشک مغزی‌های زاهد گریه می‌آید
 (۳) ج) قضای روزه زان باشد گران بر خاطر مردم
 (۴) د) هر چه رفت از کف به دست آوردن او مشکل است
 (۵) ه) افتادگی برآورد از خاک دانه را

- (۶) چ) ب) د) الف) ه) ه) ب) «مشبه» در کدام گزینه، ذکر نشده است؟
 (۷) ۱) قهقهه خانه گرم و روشن بود همچون شرم
 (۸) ۲) گرد به گردش به کدار صد برقه‌گرد مواردی / پای تا سر گوش
 ترتیب ایات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های ایهام تناسب، تشبیه، تلمیح، حسن آمیزی و اغراق، کدام است؟
 (۹) الف) ندارد مزرع ما حاصلی غیر از تهی دستی
 (۱۰) ب) چرا ملاست خواجه کنی که چون فرهاد
 (۱۱) ج) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن
 (۱۲) د) دست را بر ازدها آن کس زند
 (۱۳) ه) دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت
 (۱۴) ۱) ب) الف) ج) د) ه) ۲) چ) ه) د) ب) الف)

- آرایه‌های «ایهام، نفمه‌ی حروف، تشبیه، تضمین» همگی در کدام بیت یافت می‌شود؟
 (۱) تو شور کوه کن اور نه قصه‌ی شیرین
 (۲) به بیوی زلف تو در پیشگاه باد سحر
 (۳) به زیر زلف پرنزدین بامداد وصال
 (۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ

- آرایه‌های همه‌ی گزینه‌ها به استثنای گزینه‌ی در بیت زیر تمامًا وجود دارد.
 (۱) کنایه، ایهام، تلمیح
 (۲) تشبیه، تشخیص، جناس
 (۳) استعاره‌ی مکنیه، تلمیح، تشبیه
 (۴) تقویت قرار گرفتن ایات به لحاظ داشتن آرایه‌های استعاره‌ی مکنیه، لف و نشر، اغراق، ایهام و جناس، کدام است؟
 که می در ظلمت شب عین آب زندگانی بود
 دولت آمد، خفته‌ای برخیز و در بگشای زود
 از نهاد نه رواق چرخ دوداند دود
 رود را بر ساز کن مطرب که دل دادم به رود
 سمع ارغونی و شراب ارغوانی بود
 (۱) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۲) چاه چونان ژرف و پهنهش، بی‌شمیش نایاور / و غمانگیز و شگفت‌آور.
 (۳) چو دستی متنشا مانند در دستش
 (۴) چو دستی متنشا مانند در دستش

- آرایه‌های مقابله‌ی ایات به استثنای بیت تمامًا درست است.
 (۱) شکن زلف چو زنبار بتم پیدا شد
 (۲) جان در مقام عشق به جانان نمی‌رسد
 (۳) گل مگر لافی زد از خوبی کنون پیش رخت
 (۴) درمان دل، وصال و جمال است و این دو چیز

- کدام آرایه‌ها در بیت زیر، تمامًا موجود است؟
 «هستند بی قرار چو زلف تو عالمی
 تا دیده دید در خم زلفت قرار حسن»
 (۱) تشخیص، اغراق، مراتعات نظیر، کنایه، ایهام تناسب
 (۲) ایهام تناسب، مجاز، تضاد، تشبیه، مراتعات نظیر
 (۳) تشبیه، کنایه، ایهام تناسب، جناس، تشخیص
 (۴) شاعر در کدام بیت از آرایه‌ی «واج‌آرایی» بهره‌ی بیشتری برده است؟
 (۱) سبا به لطف بگو آن غزال رعنارا
 (۲) آن ابر دُر بارز دریا که بر آید
 (۳) رسم عاشق کشی و شیوه‌ی شهر آشوبی
 (۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

کنج چهارم: تاریخ ادبیات

درس‌نامه‌ی ۱: اعلام (چهره‌ها، آثار و ...)



نویسندهان و شاعران درون‌هزاری

عبدالحسین زرین‌کوب

- ۱۰ پیرگنجه در جست‌وجوی ناکجا آباد (در شرح احوال نظامی)
- ۱۱ از کوچه‌ی رندان
- ۱۲ از چیزهای دیگر
- ۱۳ نقد ادبی
- ۱۴ نه شرقی، نه غربی، انسانی

نویسنده، محقق و نقاد بزرگ معاصر
(تولد: ۱۳۰۱ بروجرد، وفات: ۱۳۷۸ تهران)

شناسه

- ۱ با کاروان حله
- ۲ شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب
- ۳ پله‌پله تا ملاقات خدا (در شرح احوال مولانا)
- ۴ بامداد اسلام
- ۵ فرار از مدرسه (در شرح احوال امام محمد غزالی)
- ۶ جست‌وجو در تصوف
- ۷ سرّ نی

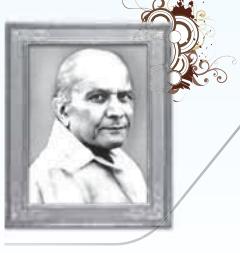
نشر زرین‌کوب، زنده، گیرا و از گروه نظرهای تحقیقی و هنری است.

زمینه‌ی اصلی تحقیقات او، نقد ادبی و شناساندن فرهنگ و تاریخ اسلامی ایرانی است.

دانستان «آخرین درس» از کتاب «قصه‌های دوشنبه» از آلفونس دوده، ترجمه‌ی اوست.

اثار

اشارة



غلامحسین یوسفی

- نویسنده، محقق و استاد دانشگاه‌های تهران و مشهد
تولد: ۱۳۰۶ مشهد، وفات: ۱۳۶۹ تهران
- ۱ آرامگاه او، مشهد در جوار حرم امام رضا (ع)
 - ۲ تسلط به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه
 - ۳ دیداری با اهل قلم
 - ۴ برگ‌هایی در آغوش باد
 - ۵ چشم‌های روشن
 - ۶ روان‌های روشن
 - ۷ کاغذ زر
 - ۸ تصحیح بوستان و گلستان سعدی
 - ۹ ترجمه‌ی «شیوه‌های نقد ادبی» از دیوید دیچرز
 - ۱۰ ترجمه‌ی «دانستان من و شعر» از نزار قباني

نشر غلامحسین یوسفی، روان، زیبا و جذاب است.

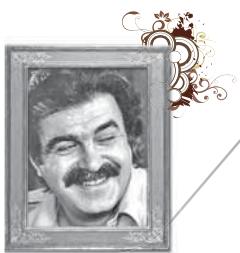
نقد او منصفانه، دقیق و سنجیده است.

تحلیل دانستان «کاوی‌ی آهنگر» از ادبیات چهارم، از کتاب «چشم‌های روشن» او انتخاب شده است.

شناسه

اثار

اشارة



غلامحسین ساعدی

- دانستان پرداز و نمایش‌نامه‌نویس پرکار معاصر، روان‌پژوهش
تولد: ۱۳۱۴ تبریز، وفات: ۱۳۶۴ فرانسه
- ۱ مشهور به گوهر مراد
 - ۲ دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در تبریز سپری کرد؛ در تهران ادامه‌ی تحصیل داد و روان‌پژوهش کرد.
 - ۳ از دهدی سی به طور جدی به نویسنده‌ی روی آورد.
 - ۴ در طول بیست سال نویسنده‌ی، طبع خویش را در عرصه‌های گوناگونی چون: دانستان کوتاه، رمان، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و پانتومیم آزمود.

مشهور به گوهر مراد

دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در تبریز سپری کرد؛ در تهران ادامه‌ی تحصیل داد و روان‌پژوهش کرد.

از دهدی سی به طور جدی به نویسنده‌ی روی آورد.

در طول بیست سال نویسنده‌ی، طبع خویش را در عرصه‌های گوناگونی چون: دانستان کوتاه، رمان، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و پانتومیم آزمود.

شناسه

اثار

اشارة

- ۱ گور و گجهواره
- ۲ چوب به دست‌های ورزیل
- ۳ آی با کلاه، آی بی‌کلاه
- ۴ ترس و لرز
- ۵ عزاداران بیل
- ۶ توب

دانستان «گاو» از کتاب «عزاداران بیل» انتخاب شده است.

سعادی، دانستان «گاو» را در قالب فیلم‌نامه نیز نوشته است.

داریوش مهرجویی، فیلم موفق «گاو» را بر اساس این دانستان (فیلم‌نامه) ساخت.



● سرّنی: عبدالحسین (زین‌کوب)	● دری به خانه‌ی خورشید: سلمان هراتی	● جوامع الحکایات و لوامع الرّوایات: محمد عوفی
● سروته‌یک کرباس: همال‌زاده	● دستچین: موسوی گرمادوی	● جهان پهلوان تختی (فیلم‌نامه): علی هاتمی
● سرود درد: حمید سبزواری	● دل شدگان (فیلم‌نامه): علی هاتمی	● چشم‌هاش: بزرگ علوی
● سرود رگبار: موسوی گرمادوی	● دون کیشوت: سروانتس	● چشم‌های روشن: غلامحسین یوسفی
● سرود سپیده: حمید سبزواری	● دو قدم تا قاف: میثاق امیرفهاد	● چمدان: بزرگ علوی
● سفر پنجم: طاهره صفارزاده	● دوزخیار روى زمین: فرانتس فانون	● چمن لاله: موسوی گرمادوی
● سفر سوختن: فاطمه (اکتی)	● دهکده‌ی استپانچکوف: داستایوسکی	● چوب به دست‌های وزیل: غلامحسین سعدی (گوهه‌زاده)
● سفرنامه: ناصر فسرو	● دیدار صبح: طاهره صفارزاده	● چون سبوی تشنه: محمد مجعفر یامقی
● سگ ولگرد: صادق هدایت	● دیداری با اهل قلم: غلامحسین یوسفی	● چهار مقاله: نظامی عروضی سمرقنده
● سلامان و ایصال: یامی	● دیوان شرقی - غربی: گفتة	● چهل حدیث: امام فہیمنی
● سلسۀ‌الذهب: یامی	● دیوان شمس (دیوان کبیر): مولوی	● حدائق السحر: شبد و طواط
● سلطان صاحب قرآن (فیلم‌نامه): علی هاتمی	● دیوبید کاپریلید: چارلز دیکنز	● حدیقة الحقيقة (الهی‌نامه): سنایی
● سمعک عیار: فرامرزین خداداد (آهانی)	● رامايانا: والمیکی	● حماسه‌ی کویر: باستانی پاریزی
● سندبادنامه (منثور): ظهیری سمرقنده	● راه آب نامه: همال‌زاده	● حمزه‌نامه (رموز حمزه): مؤلفی ناشناس
● سندبادنامه (منظوم): ازقی	● راه بترسبیع: اثر مانین	● حمله‌ی حیدری: باذل مشهدی
● سوپوشون: سیمین دانشور	● رجعت سرخ ستاره: علی محلم دامغانی	● حیات یحیی: یمین دولت‌آبادی
● سه پرسش: لئون تولستوی	● رساله‌ی دل گشا: عبید زاکانی	● حیدر بابایه سلام: شهریار
● سه تفگی‌دار: الکساندر دوما	● رساله‌ی دل و جان: فواجہ عبدالله انصاری	● خانگی: سیاوش کسرایی
● سه قطره خون: صادق هدایت	● رساله‌ی قشیرب: ابوالقاسم قشیری	● خانه‌ی اموات: داستایوسکی
● سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیک: زین‌العابدین مراغه‌ای	● رستاخیز: تولستوی	● خاوران‌نامه: ابن هسام فوسفی
● سیاست‌نامه (سیر الملوك): فواجہ نظام الملک توسمی	● روان‌های روشن: غلامحسین یوسفی	● خردنامه‌ی اسکندری: یامی
● سیاه مشق: هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)	● روزگار سیاه: عباس فلیلی	● خسرو: عبدالحسین و مهدانی
● سیر العباد الی المعاد: سنایی	● روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه: محمد مدهمن فان منبع‌الدوله (اعتمادالسلطنه)	● خسرو و شیرین: نظامی گنھوی
● سیر حکمت در اروپا: محمد علی فروغی (ذکا‌الملک)	● روزها: اسلامی ندوشن	● خط خون: ناصر فسرو
● سیر بی‌سلوک: بها‌الدین خامشانی	● روضة الانوار: فواجہ کرمانی	● خوان اخوان: خوش‌های خشم: جان اشتاین بک
● سیرت رسول الله: عباس (زیاب خوبی)	● روضه‌ی خلد: مجد فواف	● خیرات الحسان: محمد مدهمن فان منبع‌الدوله (اعتمادالسلطنه)
● سیره‌ی رسول الله: قاضی ابرقو	● رهگذر آفتاب: طاهره صفارزاده	● دارالمجازین: همال‌زاده
● شادکامان درمی‌قره‌سو: علی محمد افغانی	● ریحانة الأدب: محمد علی مدنس	● داستان باستان: انسان یار شاطر
● شاهنامه: ابوالقاسم فردوسی	● زاد العارفین: فواجہ عبدالله انصاری	● داستان دو شهر: چارلز دیکنز
● شاهنامه‌ی منثور: ابوالمؤید بلنی	● زاد المسافرین: ناصر فسرو	● داستان من و شعر: نزار قبانی
● شب‌خوانی: شفیعی کدکنی	● زرگر بغدادی و شاگردش (تابلو): قمال‌الملک (محمد غفاری)	● داستان‌های دل‌انگیز در ادب فارسی: (ها) قائلی (کیا)
● شب‌بیگر: هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)	● زمستان: افوان ثالث (ه. امید)	● داستان‌های عیاری در ادب فارسی: اقبال یغمایی
● شبیلی در آتش: علی (فنا) قزوه	● زن زیادی: هلال آل احمد	● دانشنامه‌ی ایران و اسلام: زیرنظر انسان یار شاطر
● شرح احوال و آثار رودکی: سعید نفیسی	● زندگانی علی بن الحسین (ع): سید جعفر شهیدی	● دانشگاه‌های من: ماکسیم گورگی
● شرح اشعار متنبی: ابوالعلاء معزی	● زیل بلاس: آن ره نوساز	● دایرة المعارف فارسی: به سرپرستی غلامحسین مصطفی
● شرح دیوان بختی: ابوالعلاء معزی	● سال پنجم الجزایر: فرانتس فانون	● در انتظار شاعر: علی مهڈنی
● شرح زندگانی من: عبدالله مستوفی	● سالاری‌ها: بزرگ علوی	● در بهشت شداد: هلال (فیض)
● شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب: (زین‌کوب)	● سایه‌ی عمر: هی محیدی	● در بیان‌های تبعید (شعر): بیبرا ابراهیم بیبرا
● شعله‌های نبوغ: لول تامس	● سبحة‌الایرار: یامی	● در حیاط کوچک پاییز در زندان: افوان ثالث (ه. امید)
● شلغم میوه‌ی بهشت: علی محمد افغانی	● سخن و سخن‌وران: بدیع‌الزمان فروزانفر	● در سایه‌سار نخل ولايت: موسوی گرمادوی
● شلوارهای وصله‌دار: رسول پیروزی	● سد و بازوan: طاهره صفارزاده	● در کوچه‌باغ‌های نیشاپور: شفیعی کدکنی
● شورآباد: همال‌زاده	● سراب: هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)	● در کوچه‌ی آفتاب: قیصر امین‌پور
● شوهر آهو خانم: علی محمد افغانی	● سرگذشت حاجی بابا اصفهانی: یمیز موریه	● دریای گوهه: مهدی همیدی
● شهرنماز: یمین دولت‌آبادی	● سرگذشت کندوها: هلال آل احمد	

درس‌نامه‌ی ۲؛ درآمد‌ها

درآمدی بر تحمیدیه و هناجات

تحمیدیه ← سخنی زیبا به شعر یا نثر در ستایش خداوند

دیباچه‌ی گلستان سعدی از بهترین نمونه‌های تحمیدیه در ادب فارسی است.

تقسیم‌بندی آثار ادبی



تقسیم‌بندی آثار ادبی از دیدگاه محتوا و بار عاطفی
(بدون توجه به شکل ظاهری و وزن و قافیه)

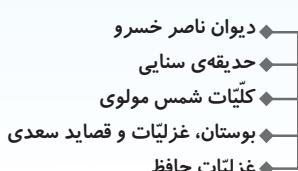
درآمدی بر ادبیات تعلیمی

شعر تعلیمی ◆ کی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین اقسام شعر فارسی است.
قصد گوینده و سراینده‌ی آن، تعلیم و آموزش است.

انواع شعر تعلیمی در ادبیات ملل ◆ حوزه‌ی اخلاق ← با موضوع خیر و نیکی ← مانند «بوستان سعدی»

◆ حوزه‌ی آموزش علم یادب ← با موضوع حقیقت و زیبایی ← مانند «نصاب الصبیان» از ابونصر فراهی در آموزش لغت

تفاوت شعرهای تعلیمی قدیم و جدید ◆ در قدیم بیشتر دارای درون مایه‌های اخلاقی، مذهبی و عرفانی
در دوره‌ی جدید (بعد از مشروطه) بیشتر دارای درون مایه‌های سیاسی، اجتماعی و روان‌شناسی



اشعار تعلیمی دارای جنبه‌ی غنایی
(تعلیمی-غنایی)

نمونه‌های شعر تعلیمی در ادب اروپایی ◆ بهشت گم‌شده اثر میلتون
◆ کمدی الهی اثر دانته

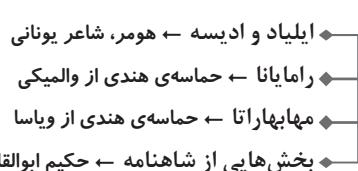
درآمدی بر ادبیات حماسی

در لغت ← دلاوری و شجاعت

حماسه ◆ در اصطلاح ← شعری است داستانی روایی با زمینه‌ی قهرمانی و رنگ قومی و ملی که در آن حوادثی بیرون از حدود عادت (خارق العاده) جریان دارد.

حماسه‌ی طبیعی: شاعر بدون توجه به ابداع و افرینش، با قدرت شاعرانه‌ی خود، به نقل داستان‌های مدون کتبی با شفاهی که ظاهراً از بعضی از واقعی خارجی نشست گرفته است، می‌پردازد.

حماسه‌ی مصنوع: شاعر با داستان‌های پهلوانی مدون و معیتی سر و کار ندارد، بلکه خود به ابداع و ابتکار می‌پردازد و داستانی را به وجود می‌آورد.



انواع منظومه‌های حماسی طبیعی



/ شهرناز (یحیی دولت‌آبادی) ← رمان (منثور) / سایه‌ی عمر (رهی معیری) ← مجموعه شعر (منظوم)

: گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): موسیقی شعر (دکتر شفیعی کدکنی) ← منظوم/آن روزها (طه حسین) ← منثور / سفر پنجم (طاهره صفارزاده) ← مجموعه شعر (شعر منثور) / زمستان (اخوان ثالث) ← مجموعه شعر (منظوم)

گزینه‌ی (۳): ارغونون (اخوان ثالث) ← مجموعه شعر (منظوم) / کویر (دکتر شریعتی) ← منثور / نصاب الصیبان (ابونصر فراهی) ← شعر آموزشی (منظوم) / خاوران نامه (بن حسام خووفی) ← منظومه

گزینه‌ی (۴): آخر شاهنامه (اخوان ثالث) ← مجموعه شعر (منظوم) / خط خون (موسی گرمارودی) ← مجموعه شعر (شعر منثور) / چشم‌هایش: (بزرگ علوی) ← داستان (منثور) / پیاده آمده بودم (محمد کاظم کاظمی) ← مجموعه شعر (منظوم)

68. گزینه‌ی «۱» اسرار التوحید (محمد بن منور) ← در شرح احوال ابوسعید ابوالخیر / مرصاد العباد (نجم الدین رازی) ← در بررسی مسائل عرفان و تصوف / تاریخ بیهقی (بوقفضل بیهقی) ← در شرح تاریخ سلطنت مسعود غزنوی به اضافه‌ی مطالبی در تاریخ صفاریان، سامانیان و دوره‌ی غزنویان، پیش از مسعود غزنوی

69. گزینه‌ی «۴» نامه‌های آسیاب من ← آلفونس دوده (اثر دیگر: قصه‌های دوشنبه) / چشمہ (به شعر) ← دکتر اسلامی ندوشن (اثار دیگر: گناه (به شعر)، صفیر سیمیرغ، روزها، جام جهان بین، آواها و ایماها، در کشور سوراها، کارنامه‌ی سفر چین) / الحیة ← محمدرضا حکیمی (اثر دیگر: ادبیات و تعهد در اسلام) / ارغونون ← اخوان ثالث (اثار دیگر: عطا و لقای نیما یوشیج، زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا، در حیاط کوچک پاییز در زندان) / اسکندر مقدونی ← شارل دوازدهم (از ادبیات سال چهارم حذف شده است.)

(توجه: کتاب «تیرانا» که در گزینه‌ی (۱) آمده است، اثر مهرداد اوستا و از ادبیات سال چهارم حذف شده است.)

70. گزینه‌ی «۱» انسان و اسرار شب ← عباس خلیلی / سراب ← هوشنگ ابتهاج / از زبان برگ ← شفیعی کدکنی / سد و بازوون ← طاهره صفارزاده / در بهشت شداد ← جلال رفیع

71. گزینه‌ی «۳» طایف الطایف ← فخرالدین علی صفائی / مسئولیت شیعه بودن ← دکتر علی شریعتی / در کوچه‌ی آفتاد ← دکتر قیصر امین پور / گنجشک و جبرئیل ← سید حسن حسینی (توجه: نام نویسنده‌ی کتاب «کشف الاسرار» در متن و اعلام کتاب‌های درسی (۲)، (۳) و (۴) نیامده است فقط در قسمت منابع و مأخذ به آن اشاره شده است.)

72. گزینه‌ی «۳» کتاب مائده‌های زمینی، اثر معروف آندره ژید، نویسنده‌ی فرانسوی است که آن را پرویز داریوش و جلال آلمحمد به فارسی ترجمه کرده‌اند.

73. گزینه‌ی «۲» از میان این آثار، نام نویسنده یا سراینده‌ی چهار اثر، نادرست بیان شده است که نام درست آن‌ها عبارتند از: آینه‌های ناگهان ← دکتر قیصر امین پور / آرش ← سیاوش کسرایی / از نخلستان تا خیابان ← علی‌رضا قزووه / بامداد اسلام ← عبدالحسین زرین کوب

74. گزینه‌ی «۳» همه‌ی آثار ذکر شده در گزینه‌ی (۳) از محمدحسن خان صنیع الدوله است. تشریح دیگر گزینه‌ها:

60. گزینه‌ی «۴» «انتقام» و «روزگار سیاه» از آثار عباس خلیلی هستند. اثر دیگر او، «انسان و اسرار شب» است.

«ورق‌پاره‌های زندان» و «سالاری‌ها» از آثار بزرگ علوی است. دیگر آثار او عبارتند از: ۱- میرزا ۲- چشم‌هایش ۳- چمدان ۴- نامه‌ها

«عبور» و «سرود رگبار» از آثار علی موسوی گمارودی هستند. دیگر آثار وی عبارتند از: ۱- در سایه‌سار نخل ولایت ۲- چمن لاله ۳- خط خون ۴- تا ناکجا ۵- دست‌چیز

«پروین دختر ساسان» و «اصفهان نصف جهان» از آثار صادق هدایت هستند. دیگر آثار او عبارتند از: ۱- بوف کور ۲- سگ ولگرد ۳- سه قطره خون

61. گزینه‌ی «۲» هر سه آثار ارائه شده در گزینه‌ی (۲)، نظر آمیخته به نظام هستند که «لمعات» از فخرالدین عراقی، ترجمه‌ی کلیله و دمنه از ابوالعالی نصرالله منشی و گلستان از سعدی می‌باشد.

در گزینه‌ی (۱)، «سیاستنامه» کتابی در آیین کشورداری به نثر است. در گزینه‌ی (۳)، «حق‌الیفین» از آثار شیخ محمود شبستری است که به نظام می‌باشد. / در گزینه‌ی (۴)، «گلشن راز» از شیخ محمود شبستری است که به نظام می‌باشد و مختارنامه‌ی عطار که مجموعه‌ی رباعیات او به نظام است.

62. گزینه‌ی «۲» در صورت سؤال، هشت اثر معزّی شده است که مؤلفین سه مورد از آن‌ها نادرست هستند که عبارتند از:

۱- ادبیات و تعهد در اسلام؛ محمدرضا حکیمی

۲- تاریخ طبری؛ محمدبن جویر طبری که این کتاب توسط ابوعلی محمد بلعمی ترجمه شده است.

۳- گفتار در روش به کار بردن خرد؛ دکارت که ذکاء‌الملک فروغی آن را ترجمه کرده است.

63. گزینه‌ی «۳» اسکندرنامه ← نظامی / تحفه‌ی الاخوان ← عبدالرزاک کاشانی / شهرناز ← یحیی دولت‌آبادی

64. گزینه‌ی «۱» اشراق ← میثاق امیرفجر / خانه‌ی اموات ← داستایوسکی

65. گزینه‌ی «۳» آتش خاموش ← اثر سیمین دانشور؛ آثار دیگر: سووشنون، جزیره‌ی سرگردانی / چشم‌هایش ← اثر بزرگ علوی؛ آثار دیگر: سالاری‌ها، میرزا، چمدان، نامه‌ها، ورق‌پاره‌های زندان / تلخ و شیرین ← اثر جمال‌زاده؛ آثار دیگر: شورآباد، سروته یک کرباس، یکی بود و یکی نبود، دارالمجانین، هفت کشور، راه‌آب‌نامه، قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار، قصه‌ی ما به سر رسید / آواها و ایماها ← اثر محمدعالی اسلامی ندوشن؛ آثار دیگر: صفیر سیمیرغ، روزها، داستان داستان‌ها، جام جهان بین، آزادی مجسمه، در کشور سوراها، کارنامه‌ی سفر چین و مجموعه اشعار چشمہ، گناه / منتظم ناصری ← اثر محمدحسین صنیع‌الدوله یا اعتمادالسلطنه؛ آثار دیگر: خیرات الحسان، مرآه‌البلدان، مطلع الشمس، المأثر و الآثار، روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه

66. گزینه‌ی «۴» چارلز دیکنز نویسنده‌ی انگلیسی قرن نوزدهم، نویسنده‌ی داستان‌های دیوید کاپفیلد، آرزوهای بزرگ و داستان دو شهر است.

67. گزینه‌ی «۳» سیاه‌مشق (هوشنگ ابتهاج) ← مجموعه شعر (منظومه) / صفیر سیمیرغ (دکتر اسلامی ندوشن) ← سفرنامه (منثور)



72. در بیت زیر کدام آرایه نیامده است؟

«ز شیرین گفتتن و گفتار شیرین
 (1) ایهام (2) حس‌آمیزی

شده هوش از سر فرهاد مسکین»
 (3) مجاز (4) متناقض‌نما

73. در بیت زیر همهی آرایه ها به جز..... آمده است.

«ای مرا در ته هر بند ز لفظ بندی
 (1) حسن تعلیل (2) جناس

چه کنی بند ز بندم همه یکباره جدا»
 (3) ایهام (4) کنایه

74. بیت زیر وصف حال شاعر است در یک شب زندانی، کدام آرایه ها سبب زیبایی آن شده است؟

«یاز دیده ستاره می‌بارم
 (1) جناس و استعاره (2) جناس و ایهام

یا به دیده ستاره می‌شمرم»
 (3) ایهام و استعاره (4) ایهام و تشخیص

75. در کدام گزینه از آرایه هی حسن تعلیل استفاده نشده است؟

(1) درخت عزیزی است همواره بر خود ملزد که هول کویر در مغز استخوانش خانه کرده است.

(2) در پایان به جرم گستاخی در برابر کویر از ریشه شان برمی‌کندند و در تشورشان می‌افکند.

(3) فروغ بی‌رنگ مهتاب بر آن صحنه درست نمی‌تابید؛ خاک‌های غم‌آلود بیشتر روشنی را به خود می‌گرفتند.

(4) جز وحشت و هراس و انوه چیزی نمی‌دید و از هستی در آن وادی جز فشرده‌ای از شداید استخوان سوز بر جای نبود.

76. در کدام گزینه، آرایه ای اسلوب معادله به کار رفته است؟

(1) گریه‌ی من آب در جوی سحر می‌افکند

ناله‌ی من شعله در جان اثر می‌افکند

(2) گر نخواهی کام خود را تلخ، خوش گفار باش

پسته را شیرین زبانی در شکر می‌افکند

(3) هر چه با ما می‌کند عقل سبکسر می‌کند

کشتی ما را معلم در خطر می‌افکند

(4) هر که چون صائب دل از گرد تعلاق پاک کرد

از دهن همچون صدف، در و گهر می‌افکند

77. در بیت زیر تمامی گزینه ها به جز گزینه هی دیده می‌شود.

غیر از لب کم حرف تو ساقی نشنیدم

جایی که میان می و ساغر شکر آب است

(1) ایهام (2) ایهام

(3) تناسب (4) اسلوب معادله

78. کدام آرایه ها باعث زیبایی و تأثیرگذاری بیت زیر شده است؟

«کاروان بار سفر بست وزان می‌ترسم

که کنم گریه و سیلا برد محمل را»

(1) حس‌آمیزی و ایهام (2) پارادوکس و اسلوب معادله

(3) اغراق و حسن تعلیل (4) استعاره و کنایه

سراسری



(خارج از کشور 93)

79. آرایه های مقابل همهی ایات به استثنای بیت تماماً درست است.

(1) اگر این داغ جگرسوز که بر جان من است

بر دل کوه نهی، سنگ به آواز آید

(2) لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست

چه شد که کوته و زشت این قبا به قامت ماست

(3) دلها برای اوست که اندر تپیدن است

دریا ز شور اوست که اندر تلاطم است

(4) گفتار من باد آیدش، خون ریختن داد آیدش

گر رنج من یاد آیدش عهد من آسان نشکند

80. کنایه «در کدام بیت کمتر یافت می‌شود؟

(1) سبکسری که زند پیش بحر لاف وجود

اگر به باد دهد سر به جاست همچو حباب

(2) هر که سجاده خود بر سر آب اندازد

همچو کف در نظر هقت مردان پوچ است

(3) دهر سپیددست سیاه کاسه‌ای است صعب

منگر به خوشبازی این ترش میزبان

(4) فلک با تنگ چشمان گوشه‌ی چشم دگر دارد

که چون فرزند کور آید شود چشم گدا روشن

81. کدام بیت فاقد آرایه «تلمیح» و دارای دو استعاره است؟

(1) عشق کوتا گرم سازد این دل رنجور را

در حریم سینه افروزد چراغ طور را

(2) فریب خال گندمگون او خوردم ندانستم

که خواهد ساختن این نقطه بی پرگار عاشق را

(3) نیست ممکن نکند صحبت نیکان تأثیر

گل به خورشید رسانید سر شبنم را

(4) پا منه بیرون ز حد خویش تا بینا شوی

نیست حاجت با عصا در خانه خود کور را

82. آرایه های بیت زیر کدام‌اند؟

«هر چند زمین گیر بود دانه‌ی امید

(1) کنایه، تشبیه، مجاز، ایهام

دست کرم ابر گهربار بلند است

(3) استعاره، تشبیه، جناس، تشخیص

(2) مجاز، استعاره، حسن تعلیل، کنایه

(4) ایهام، تشخیص، حسن تعلیل، جناس

(ریاضی 93)

(خارج از کشور 93)



المپیاد



(المپیاد هفدهم)

474. در کدام گزینه وابسته‌ی اسم نیامده است؟

- (1) می خواستم بوسه بر پای پیرمرد بزنم.
(3) این نکته را در جان خوبش حس می کردم.

(المپیاد چهاردهم)

475. «گل» در جمله‌ی «زیباترین گل سرخ باع تقیدیم تو باد!» مجموعاً چند وابسته‌ی صفتی گرفته است؟

(المپیاد چهاردهم)

- (1) یک (2) دو
(3) سه (4) چهار

(المپیاد سیزدهم)

476. در جمله‌ی «شما باید کتاب‌های خودتان را در هر فرصت مناسبی مطالعه نمایید.» به ترتیب چند صفت پیشین و پسین دارد؟

- (1) سه - دو (2) دو - یک
(3) دو - سه (4) سه - دو

(المپیاد سیزدهم)

- (2) روز شهادت شهید مطهری را روز معلم نامیده‌اند.
(4) من از تحمل این وضع خسته شده‌ام.

477. در کدام گزینه وابسته‌ی پیشین به کار نرفته است؟

- (1) هر انسانی پاک متوالد می شود.
(3) دوست من در مسابقه‌ی دو، سوم شد.

پرسشنامه‌ی چهارگزینه‌ای

۷. نقش‌های دستوری

تأثیری



478. در کدام گزینه، همه‌ی واژه‌های مرکب، در حقیقت فشرده‌ی یک جمله‌ی سه جزئی با معنول است؟

- (1) نامه‌رسان، ره‌آورده، نی‌شکر (2) نمک‌پاش، بالاپوش، دورنما
(4) قلم‌تراش، شاهکار، راهنمای

479. در همه‌ی گزینه‌ها به جز شاخص وجود دارد.

- (1) آقای احمدی مهندس ناظر این ساختمان است.
(3) استاد علی‌اکبر دهخدا، خدمات فرهنگی بزرگی بزرگی انجام داده است.
(2) همه‌ی اهل محل به کدخدا حسن احترام می‌گذارند.
(4) سلطان محمود غزنوی بارها به هندوستان لشکرکشی کرد.

480. در متن زیر به ترتیب چند شاخص و نقش تبعی وجود دارد؟

«مرحوم غلامحسین یوسفی، پژوهشگر و استاد برجسته‌ی دانشگاه مشهد، در سال ۱۳۴۴ دکترای خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

اخذ کرد و پس از سال‌ها تدریس در سال ۱۳۶۹ در گذشت و در جوار امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.»

- (1) یک، دو (2) دو، سه
(3) سه، چهار (4) سه، دو

481. همه‌ی گزینه‌ها به جز به عنوان ممیز هم کاربرد دارد.

- (1) دایره (2) قرق (3) توب (4) قطعه

482. نمودار پیکانی «دو فروند هوایپیمای جنگی پیشرفته» در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟

- (1) دو فروند هوایپیمای جنگی پیشرفته
(2) دو فروند هوایپیمای جنگی پیشرفته



- (4) دو فروند هوایپیمای جنگی پیشرفته



483. کدام گزینه برای نمایش نمودار پیکانی گروه اسمی «یک عدد عینک شیشه بادامی دودی» مناسب است؟

- (1) یک عدد عینک شیشه بادامی دودی
(2) یک عدد عینک شیشه بادامی دودی



- (4) یک عدد عینک شیشه بادامی دودی



484. در کدام گزینه «صفت صفت» آمده است؟

- (1) کارد شکاری نوک باریک (2) سه تخته قالی زیبای کرمان

485. در همه‌ی گزینه‌ها به جز ... مضاف‌الیه مضاف‌الیه دیده می‌شود.

- (1) فیلم‌نامه‌ی بچه‌های آسمان (2) کارخانه‌ی تولید کاغذ

- (4) لوستر پنج شعله‌ی شمعی
(3) دوستگاه تلویزیون سیاه و سفید

- (4) درختان سرو این باع
(3) انقلاب اسلامی ایران



که اساسن همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

هیچ مکروه این قدر در دیدهها مرغوب نیست
ما دل خود را به راه عشق بر دریا زدیم
چند روزی بهر ویرانی مرا آباد داشت
دلستگی به خار و خس آشیانه چیست؟

کان میوه که از صبر برآمد شکری بود
در آیینه از در مه——، آن دل فریز
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت
بر در دل ز آرزو قفقـل شـکـیـابـی زـدـم

«من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گل دسته‌ی سرو / من نمازم را پی تکبیره‌الاحرام علف می‌خوانم / پی
قدقامت» موج

چه تسبیح آرد آن کاو بی‌زبان است
که هر خاری به تسبیحش زبان است
وان جماد اندر عبادت اوستاد
ریگ در دشت و سنگ بر که سار

نگر تا نبیند در شهر باز» با کدام بیت تقابل مفهومی ندارد؟
دانی که حقیقت ز چه دریند مجاز است؟
سزد، که راز نگه داشتن نه کار صداست
اینمه غمّاز نبـودـچـون بـودـ

21. بیت: «خیمه‌ی انس مزن بر در این کهنه‌رباط

- (1) با همه زشتی ز دنیا چشم بستن مشکل است
- (2) رهروان عقل ساحل را به جان دل بسته‌اند
- (3) سازگاری چرخ را با من نبود از راه لطف
- (4) در گلشنی که خرم گل می‌رود به باد

22. مفهوم کدام بیت با سایر ایيات متفاوت است؟

- (1) من بعد حکایت نکنم تلخی هجران
- (2) شکیایی کنم چندان که یک روز
- (3) پس از چندین شکیایی شی یارب توان دیدن
- (4) تاناید گشتنم گرد در کس چون کلید

23. منظمه‌ی زیر با همه‌ی ایيات تناسب مفهومی دارد به‌جز:

«من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گل دسته‌ی سرو / من نمازم را پی تکبیره‌الاحرام علف می‌خوانم / پی
قدقامت» موج

- (1) اگر مرغ زبان تسبیح خوان است
- (2) نه بلبل بر گلش تسبیح خوان است
- (3) آدمی منکر ز تسبیح جماد
- (4) همه تسبیح او همی‌گویند

24. مفهوم روبه‌روی کدام گزینه، درست نیست؟

- (1) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد = (سوق بی‌نهایت عارف)
- (2) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست = (بی‌خبری از عشق)
- (3) سر من از نالی من دور نیست = (اتحاد ظاهر و باطن)
- (4) نی حرف هر که از یاری برید = (همدلی و همزبانی مبتلایان فراق)

25. بیت: «درون دلت شهریندست راز

- (1) رازی است در این پرده، گر آن را بشناسی
- (2) ور از جهان سخن سرتوبه رون افتاد
- (3) عشق خواهد کاین سخن بیرون بود
- (4) بر گذرگاهی که باد صحیح غمّازی کند

آزمون جامع



سراسری تجربی 94

1. معنی کدام دو گروه از واژه‌ها همگی درست است؟

الف) (موی بالیده: موی مرتب شده) (ماشی: رونده)

ج) (تعویذ: بازوبند) (ضیا: روشنایی)

(1) الف - ب (2) ب - ج

2. معنی چند واژه، درست است؟

(فرض: تعیین کردن) (مُعَّ: زردشتری) (فایق: موفق شده) (علیل: رنجور) (عارضه: عرضه کردن) (مطاع: اطاعت‌کننده)

(تک: ژرف) (راهب: ترسای پارسا) (ممد: ادامه‌دهنده) (یال: گردن)

(4) نه (3) هشت (2) هفت (1) شش

3. کدام گروه از واژه‌ها، همگی مترادفند؟

(1) (غرامت و تاوان) (هیوط و صعود) (نحس و بداخت)

(2) (کهف و گرن) (سفر و خضر) (فلاخن و قلاب‌سنگ)

(3) (صور و سیر) (انقباض و انساط) (مقهور و مغلوب)

(4) (فخر و میاهات) (زخم و ضربه) (مرهم و ضماد)

4. کدام بیت، فاقد غلط املایی است؟

(1) حزم آن باشد که برگیری تو آب

(2) ظالم از مظلوم کی داند کسی

(3) نقد را از نقل نشاند قسوی است

(4) ما به دل بی‌واسطه خوش بنگریم

تارهی از ترس و باشی بر صواب
کاو بود صُخره‌ی هوا همچون خسی
هین از او بگیریز اگر چه معنوی است
کز فراصت مابه عالی منظریم



آزمون جامع

سراسری انسانی ۹۴



۱. توضیح روبه‌روی کدام واژه‌ها درست است؟

(الف) حدی: آواز خواندن عرب برای شتر

(ج) ایار: از ماه‌های رومی برابر ماه دوم بهار

(۱) الف - ب (۲) الف - ج

۲. معنی روبه‌روی چند واژه، درست است؟ (مکیدت: چاره‌گری) (قضبان: شاخه‌ی درخت) (سلیم: مارگزیده) (سیلک: نخ و ریسمان) (سنن: سرنیزه) (خریف: پاییز) (توجع: گرسنگی) (چگرآور: شجاع)

(۱) سه (۲) چهار

۳. مترادف واژه‌های: «لباس خاص، خشمگین، شیوایی، درویش و تخت» به ترتیب در کدام گزینه، درست آمده است؟

(۱) زی، گرزه، فصاحت، صدر، اورنگ

(۳) جنه، گرزه، بلاغت، اهل سورت، آوند

(۴) پرده، شرزه، بالاخت، بی‌روزی، اورنده

۴. در کدام بیت غلط املایی وجود دارد؟

چو روی عاشقان شود ضیای او
نکنند آب دجله سیرابش
تو در شتاب سفر بوده‌ای و رنج سهبر
ستاره نیست مگر دون نواز و دون پرور

(۱) بدانگه‌ی که حور قیرگون شود

(۲) سایر است این مثل که مستسقی

(۳) به وقت آن که همه خلق گرم خواب شوند

(۴) زمانه نیست مگر رذل جوی و رذل پرست

۵. در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«ملک گفت: مانع سقط و موجب نفرت چیست؟ مرغ گفت: محل عناد در دل‌ها مولیم است و اگر به خلاف این چیزی شنوده شود، اعتماد را نشاید که زبان در این سفارت، حق امانت نگذارد و من صعوبت سولت تو را نیکو شناسم و در هیچ وقت از پاس تو ایمن نتوان بود.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶. کدام گزینه‌ها از لحاظ تاریخ ادبیات، درست است؟

(الف) نخستین رمان فرانسوی «تزلی بلاس» اثر آلن رنه لو ساز است.

(ب) نشریه‌های ادبی پیام نو و مجله‌ی سخن از دستاوردهای دوره‌ی دوم عصر شعر نیمایی است.

(ج) در قرن ۵ شاعرانی نظری عنصری و نظامی به سروdon منظومه‌ی عاشقانه پرداختند.

(د) کتاب خوش‌های خشم اثر اشتاین بک نویسنده انجلیسی قرن نوزدهم است.

(۱) ب - د (۲) ب - ج (۳) الف - ج

۷. آثار مقابله پدیدآورنده‌گان زیر، در همه‌ی گزینه‌ها تمام‌ درست است به‌جز:

(۱) اسلامی ندوشن: «گناه»، «در کشور شوراهما»، «چشممه»

(۲) علی شریعتی: «فاطمه فاطمه است»، «امام حمامه‌ای دیگر»، «هبوط»

(۳) خواجه عبدالله انصاری: «کنز‌السالکین»، «محجت‌نامه»، «هفت حصار»

(۴) سیدحسن حسینی: «براده‌ها»، «هم‌صدا با حلق اسماعیل»، «گیجشک و جبرئیل»

۸. پدیدآورنده‌گان «کشف الحقائق، مسافره‌ای شب، مورچگان، انسان و سرنوشت»، به ترتیب، خالق کدام آثار نیز هستند؟

(۱) حق‌الیقین، شب چراغ، برادرها، تماشاگه راز

(۲) انسان کامل، چشم‌های من خسته، عقل و سرنوشت، عدل الهی

(۳) کلشن راز، شاهزاده خانم چشم سبز، پرندۀ‌ای، فاطمه فاطمه است

(۴) تماشاگه راز، فصلی از عاشقانه‌ها، شاهزاده خانم مال، جاذبه و دافعه‌ی علی (ع)

۹. ترتیب توالی ایات زیر بر اساس آرایه‌های (ایهام - مجاز - لف و نشر - متناقض‌نما، اغراق)، کدام است؟

(الف) من نشاطی را نمی‌جویم به جز اندوه عشق

(ب) دل من تاب سر زلف تو دارد آری

(ج) تو که ترک سر نگفتی ز پیش چگونه رفتی؟

(د) گشت فراق و وصل تو مرگ و بقای عاشقان

(ه) تو به هنگام سخن گر نشوی موسی شکاف

(۱) ه - ج - د - الف - ب (۲) د - ب - ج - الف - ه

۱۰. در کدام بیت‌ها هر دو آرایه‌ی استعاره و جناس، وجود دارد؟

(الف) اهل دل گر جان برآن سرو روان افسانه‌اند

(ب) آن خط عنبرشکن بر برگ گل دانی چراست؟

(ج) خلق را از لعل میگون تو مستی داده‌اند

(د) سنبلش غارت ایمان نکند چون نکند

(ه) آن سهی سرو روان از سر پا نتشینند

(۱) الف، ب، ه (۲) الف، ب، ج

من بهشتی را نمی‌خواهم به غیر از کوی دوست
کس به جز گوی تحمل نکند چوگان را
تو که نقد جان ندادی ز غمش چگونه رستی؟
کشته‌ی زنده ساختی ای تو خدای عاشقان
کس نیابد ز دهان تو نشان، یک سر موی

(۳) ب - ج - ه - د - الف - ه

از نسیم گلشن وصلش روان پرورده‌اند

نافه‌ی مشک است کاندر جیب نسرین کردہ‌اند

عقل را از چشم فقان تو مفتون کردہ‌اند

لب لعلش مدد جان نکند چون نکند

تمان دلشده را بی‌سر و بی‌پا نکند

(۴) ج، ه، د

(۳) ب، د

مولیان، صور خیال در شعر فارسی، تصحیح و توضیح «اسرار التوحید») / انتقام: عباس خلیلی (دیگر آثار: روزگار سیاه، انسان و اسرار شب) بررسی آثار در دیگر گزینه‌ها: 2) جزیره‌ی سرگردانی: سیمین دانشور / تهران مخوف: مرتضی مشقق کاظمی 3) کتاب احمد (سفینه‌ی طالبی): عبدالرحیم طالبوف / بوف کور: صادق هدایت / یادگار شب: مرتضی مشقق کاظمی

7. گزینه‌ی 2) نام درست نویسنده‌گان آثار: طریق التحقیق: سایی غنی‌ی / پیامبر: زین‌العابدین رهمنا / ترجمه‌ی «دن چیست»: ع. پاشایی / اسرار التوحید: محمدبن منور [محمدبن منور این کتاب را در شرح احوال و اقبال جد خود، «ابوسعید ابوالخیر» نوشته است].

8. **توجه:** «دن کیشوت» شکل املای دیگر «دون کیشوت» است.

فراهی / شاهنامه‌ی ابورمنصوری (منثور): تأییف گروهی به دستور «ابومنصور عبدالرزاق» / بهشت گمشده (منظوم): جان میلتون بررسی آثار دیگر گزینه‌ها: 1) زستان (منظوم): مهدی اخوان ثالث / الایام (منثور): طه حسین / الحیاء (منثور): محمدرضا حکیمی / 2) هشت کتاب (منظوم): سهراب سپهیری / کمدی الهی (منظوم): دانته) / کویر (منثور): علی شریعتی / 3) پله پله تاملات خدا (منثور): عبدالحسین زین کوب / روزها (منثور): محمدعلی اسلامی ندوشن / فاوست (منظوم): گوته

9. گزینه‌ی 3) بررسی آرایه‌های بیت: استعاره: سخن گفتن مور و شیرین سخن بودن آن، استعاره‌ی مکنیه و تشخیص است. حس‌آمیزی: شیرین سخنی (آمیختن حس «قدرت و توانایی» / اسلوب معادله: مصارع دوم، مصارع دوم: مجاز از «قدرت و توانایی» / اسلوب معادله: مصارع دوم، مثال و مصادقی برای مصارع اول است و کلماتی از مصارع دوم، معادلی برای کلمات مصارع اول هستند؛ به این صورت: «دست نوازش، پایه‌ی معنی را بلند می‌گرداند؛ همان‌طور که) دست سلیمان، مور را شیرین سخن کرده است.» (معادله‌ها: دست نوازش = دست سلیمان، «پایه‌ی معنی = مور»، «بلند گشتن = شیرین سخن شدن»)

بررسی آرایه‌های بیت در دیگر گزینه‌ها: 1) کنایه: شیرین سخن: کنایه از «خوش‌سخن» / تضاد: ندارد. 2) کنایه: شیرین سخن: کنایه از «خوش‌سخن» / حسن تعییل: ندارد / جناس تام: دست (اول): دست، عضوی از بدن / دست (دوام): مجازاً به معنی «قدرت و توانایی» (4) تلمیح: تلمیح به «ماجرای پادشاهی و شکوه و قدرت حضرت سلیمان (ع) و سخن گفتن او با مورا / حسن تعییل: ندارد.

10. گزینه‌ی 3) بررسی تشییه‌های بیت: 1) لفظ، فریاد است. (تشییه لفظ به فریاد) / 2) شعر، دریاست. (تشییه شعر به دریا) / 3) شراب خون (اضافه‌ی تشییه‌ی: تشییه خون به شراب) / 4) دانه‌ی لفظ (اضافه‌ی تشییه‌ی: تشییه لفظ به دانه) / 5) اشک، کاسه‌ی خون است. (تشییه اشک به کاسه‌ی خون).

11. گزینه‌ی 2) (الف) کنایه: جان سپردن: کنایه از «مردن و فدا شدن» / (ب): تنافق (پارادوکس): خفته‌ی بیدار (خفته بودن در عین حال بیدار بودن، متنافق نماست). / (ج): هزار در مصارع دوم ایهام تناسب: 1) عندلیب، بلبل، هزار دستان، (2) عدد هزار (در این معنا با «صدهزار» تناسب دارد). / بیت (د): حسن تعییل: از نظر شاعر، دلیل نگریست مردم جهان به ماه آسمان، این است که پرتوی از چهره‌ی تابان و همچون خورشید مشعوق به ماه رسیده و ماه را نورانی کرده و سبب شده که توجه مردم را به خود جلب کند. / (ه): اسلوب معادله: مصارع دوم مثال و مصادقی برای مصارع اول است و کلماتی از مصارع دوم، معادلی برای مصارع اول هستند، به این صورت: فقط اشک، حال دل را می‌داند؛ همان‌طور که) همیشه طفل از دیوانگان خبر می‌گیرد. (معادله‌ها: «اشک = طفل» و «حال دل = دیوانگان»)

12. گزینه‌ی 4) اجزای جمله‌ی دوم: جهان‌بینی مولانا: نهاد / شعر او: مفعول / ممتاز: مسنده‌ی ساخته است: فعل گذرا به مسنده (جمله‌ی چهارچوئی گذرا به مفعول و مسنده) [عبارت «از لحاظ گستردگی

بر عقل) / گزینه‌ی 3): ناسازگاری روزگار با شاعر و گلایه‌مندی او از بخت نامساعد

22. گزینه‌ی 4) مفهوم این بیت، قناعت‌پیشگی و پرهیز از چاپلوسی و دریزگی (گدایی) است. اما مفهوم مشترک بیت‌های دیگر، این است که «لازمه‌ی رسیدن به مقصود و شرط کامیابی، صبر و شکیبایی است».

23. گزینه‌ی 1) مفهوم کلی مظلومه‌ی صورت سؤال و گزینه‌های (2)، (3) و (4)، این است که «همه‌ی موجودات در حال تسبيح و ستایش خداوند هستند». اما مفهوم بیت گزینه‌ی (1)، این است که «موجود بی‌زبان، قادر به تسبيح و ستایش خداوند نیست».

24. گزینه‌ی 2) مفهوم درست مصراج گزینه‌ی (2)، این است که «هر کسی محروم و لايق رازداری عشق نیست؛ حال عاشق را فقط عاشق می‌داند».

25. گزینه‌ی 1) مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های (2)، (3) و (4) «غیر ممکن بودن رازپوشی» (افشاوار از) است، اما گزینه‌ی (1)، به سکوت و خاموشی (از پوشش) سفارش می‌کند.

سراسری تجربی ۹۴

1. گزینه‌ی 2) معنی دقیق تر واژه‌ها: (ب): صلات: رحمت و بخشایش حق تعالی، درود (جمع: صلات) / خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن / (ج): تعوید: دعا یکی که بر کاغذ نویسنده و با خود دارند، بازوبند، حرز / ضیا: نور، روشنایی معنی درست واژه‌های نادرست: (الف) موی بالیده: موی بلند و رشدکرده [موی مالیده: موی صاف و مرتب شده] / (ماشی: رونده / د) الف: آنس، دوستی [الف: هزار] / پلاس: گلیم، فرشی که از پشم بافته می‌شود و پُر زنداره، زیراندار کم‌قیمت و ارزان، لباس پشمین و خشن که درویشان و قلندران پوشند.

2. گزینه‌ی 1) معنی دقیق تر واژه‌ها: فرض: واجب گردانید، تعیین کردن / مُعَنٌ: موبد زردشته، زردشته / اعلی: بیمار، رنجور / تک: عمق، ژرف / راهب: عابد سیحی، ترسای پارسا و گوشنهنشین / یال: گردن، موی گردن اسب و استر معنی درست واژه‌های نادرست: فایق: برگزیده، برتر / معارضه: ستیزه کردن / اقطاع: کسی که دیگری فرمان او را می‌برد، اطاعت شده / مُمَدَّ: مددکننده، یاری‌رساننده

3. گزینه‌ی 4) بررسی دیگر گزینه‌ها: 1) غرامت و توان (متراداف) / هبوط و صعود (متضاد) / نحس و بدآختر (متراداف) 2) کُفر و کُرْنَد (متراداف) / سفر و حضر (متضاد) / انقباض و انبساط (متضاد) / مغلوب (متراداف)

4. گزینه‌ی 1) حَزَم: دوراندیشی، هشیاری، استواری در کار / صواب: درست، راست، درستی و راستی، مصلحت املای درست واژه‌های نادرست: 2) سُخْرَه: تمسخر، ریشخند / گمراه، درمانده و ناتوان / 4) فراست: زیرکی

5. گزینه‌ی 3) املای درست واژه‌های نادرست: جَرِس: زنگ کاروان، درای / حایل: حجاب، مانع [هایل: ترسناک، هولناک] عاجل: شتاب کننده، زود، حال، اکنون [آجل: دیر، آینده، آتی]

املای درست واژه‌ها در دیگر گزینه‌ها: در گزینه‌های (1)، (2) و (4)، به ترتیب، املای واژه‌های «آجل»، «هایل» و «خرص» نادرست است.

6. گزینه‌ی 1) نویسنده‌گان آثار: مطلع الشمس: محمدحسن خان صنیع الدوّله (اعتمادالسلطنه) (دیگر آثار: روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه) / المأثر و الاثار، منظم ناصری، روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه) / ارغون: مهدی اخوان ثالث (دیگر آثار: زستان، آخر شاهنامه، از این اوستا، در حیاط کوچک پاییز در زندان / [موسیقی شعر: محمد رضا شفیعی کدکنی (دیگر آثار: شبخوانی، از زبان برگ، در کوچه باغ‌های نیشابور، از بودن و سروden، مثل درخت در شب باران، بوی جوی



نکوهش نامردمی و ناجوانمردمی برای رسیدن به قدرت و از بین بردن رقیب است».

25. گزینه‌ی «4» مفهوم کنایی این گزینه «سفرash به سکوت و پرهیز از خودنمایی و «از ماست که بر ماست بودن» است.

سراسری انسانی ۹۴

۵

پاسخ نامه‌ی آزمون جامع ۵

1. گزینه‌ی «1» حُدی: آواز خواندن عرب برای شتر؛ آوازی که ساریان و شتریان خوانند تا شتران تیزرو روند. /طی: جشن عروسی [واژه‌ای ترکی است]

معنی درست واژه‌های نادرست: (ج): ایار: از ماه‌های رومی و برابر ماه سوم بهار (= خردادماه) /د) دلشکر: شکارکننده دل (شکردن: شکارکردن)

2. گزینه‌ی «3» معنی درست واژه‌های نادرست: قضیان: جمیع قضیب» شاخه‌ای درخت / سیلک: حریر، ابریشم [سلک: رشته، نخ، ریسمان] / توجع: دردمندی

معنی دقیق‌تر واژه‌ها: مکیدت: حیله‌گری، چاره‌گری / سلیم: ساده‌دل، گول و احمق، مارگزیده / سنان: سرنیزه / جگرآور: دلیر، شجاع

3. گزینه‌ی «2» معنی دقیق‌تر واژه‌ها: زی: لباس و پوشش خاص هر صنف؛ طرقه، شیوه / شرזה: خشمنگین (= ارگند) / فصاحت: درستی و شیوه‌ای؛ سخن روان که با استفاده از لغات و ترکیبات خوش‌آهنگ و رایج و ترکیب‌بندی درست عبارات و جملات مطابق قواعد زبان صورت می‌گیرد. / ای روزی: بی‌نوا و دوپیش / اورنگ: اورنگ، تخت؛ مجازاً «فر و شکوه، شأن و شوکت»

معنی واژه‌ها در دیگر گزینه‌ها: (1) گرزه: نوعی مار با سری بزرگ؛ کفچه مار / صدر: کسی که صف لشکر را می‌درد، دلیر / اورنگ: تخت، سریر، اورنده (3) جبهه: جامه‌ی گشاد و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند. / بالاغت: چیره‌بازی، زبان‌آوری، بلیغ شدن / اهل صورت: متشرعن؛ کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافتن‌هایند. / آورنده: معلق، آورزان (4) پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی «آهنگ و نغمه‌های مرتب»

4. گزینه‌ی «1» املای درست واژه: هور: خورشید (حور: جمیع «احور» و «حورا» به معنای زنان زیبا و سیاه‌چشم بهشتی) معنی واژه‌ها در دیگر گزینه‌ها: (2) مُستسقی: آب‌خواهند، مبتلا به بیماری استسقا [استسقا: نوعی بیماری که بر اثر آن، فرد هر چقدر آب می‌نوشد سیراب نمی‌شود]. (3) سهر: شب‌زنده‌داری، شب‌بیداری / (4) رذل: فرمایه، پست و بی‌ارزش

5. گزینه‌ی «3» املای درست واژه‌ای نادرست: ثقت: اعتماد، اطمینان [سطق: غلط و خطأ و اشتباه، عيب، بد گفتن، سخن زشت] / نکزاده: ادا نکند، اجرا نکند (گزاردن: ادا کردن، اجرا کردن، به جا آوردن) / صولت: تندی و تیزی و شدت اثر، هبیت و شکوه معنی درست و دقیق دیگر واژه‌ها: عناد: کینه و دشمنی، ستیزه‌جویی / مولم: دردآور، دردناک، غم‌انگیز، رنج‌آور / سفارت: رسالت، پیغام / صعوبت: دشواری، سختی / بأس: نیرو، شجاعت، خشم و غضب، بیم و ترس

6. گزینه‌ی «4» (الف) «زیل بلاس» نخستین رمان فرانسوی از «آلن رنه لوساژ» (رمان‌نویس مشهور فرانسوی) است. (ب) ویزگی‌های دوره‌ی دوم شعر نیمایی (از سال 1320 تا 1332): تأثیر شعر نیما بر دیگران؛ انتشار نثریه‌های ادبی مانند «روزگار نو»، «پیام نو»، مجله‌ی سخن - که در آن‌ها علاوه بر نقد و تحلیل، آثار متجددان و وفاداران به سنت شعری گذشته هم چاپ می‌شد. تشکیل نخستین کنگره‌ی نویسنده‌گان ایران که عمدتاً وفاداران به شیوه‌ی نیما بودند، شعر سپید یا منثور مخصوص این دوره است.

بررسی دیگر گزینه‌ها: (ج) در قرن ۵ هـ. تخلّل در شعر فرنخی کمال یافت و شاعرانی چون «عنصری»، «فخرالدین اسعد گرگانی» و

حوزه‌ی عاطفی و هیجان روحی» هم «متهم اختیاری» و در تعیین اجزای جمله، بی‌تأثیر است.]

13. گزینه‌ی «2» عبارت «در کوره‌راه‌های پرنشیب و فراز» دومین گروه اسمی در متن سؤال است و هسته‌ی آن «کوره‌راه» می‌باشد؛ بنابراین واجههای آن عبارتند از: اک اواه اهار ۱۱/۷ (7 واژه)

14. گزینه‌ی «3» (34 تکواش: هم/سنگ ای لـ آوا/ای او/معنا/ی ادر/ اشعر/ اشکل ای اپوی ۱۱ او/ ابسیار/ هنر/ امند/انه/ ایجاد/ می/ اکن اـ د او ادر اتفاقیت اـ اموسيقی اـ ازبان اـ مؤثر/ اـ است/ اـ

15. گزینه‌ی «4» (بررسی دیگر گزینه‌ها: (1) «بار، ابری»؛ تکرار (2) «حسن قامیت سرو»؛ معطوف برای «جمال عارض خورشید» (3) «طاووس»؛ بدل برای «تو»)

16. گزینه‌ی «1» ساختمان واژه‌های عبارت سؤال و گزینه‌ی (1) ناسپاس، نارمان: نا + اسم ← صفت / منشی‌گری، صوفی‌گری: صفت / اسم + گری ← اسم / روزانه، مردانه: اسم + انه ← صفت، قید / گشتار، دیدار: بن ماضی + ار ← اسم

بررسی ساختمان واژه‌ها در دیگر گزینه‌ها: (2) (ناشناس: نا + بن مضارع ← صفت) (یاغی‌گری: صفت + گری ← اسم) (محرمانه: صفت + انه ← قید / صفت) (اگرفتار: بن ماضی + ار ← صفت) (3) (ناملوم: نا + صفت ← صفت) (حوالیگری: اسم + ی ← اسم) (شکرانه: اسم + انه ← صفت / قید) (برخوردار: بن ماضی + ار ← صفت) (4) (نارس: نا + بن مضارع ← صفت) (آنگری: اسم + ی ← اسم) (شباهه: اسم + انه ← صفت / قید) (شنیدار: بن ماضی + ار ← اسم)

17. گزینه‌ی «1» مفهوم بیت: کوتاهی در امور، مانع از رسیدن انسان به هدف و مقصود است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: لازمه‌ی رسیدن به مقصود (معشوق) ترک خود و وجود جسمانی است.

18. گزینه‌ی «3» معنی و مفهوم درست عبارت: فوراً دستور داد که گزند و زیان حاکم را دفع کنند. (فوراً حاکم را از کار، برکنار و خلع کرد.)

19. گزینه‌ی «2» مفهوم محوری منظومه‌ی صورت سوال و گزینه‌ی (2) این است که «عمر آدمی نایابدار و زودگذر است و مرگ، امری فraigir و حتمی است و حتی بزرگان را در بر می‌گیرد».

20. گزینه‌ی «2» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (2)، صبر و شکیبایی بر سختی‌ها و دشواری‌های راه عشق برای رسیدن به مقصود است.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها: (1) ارزشمندی صبر و شکیبایی / (3) بی‌صبری و ناشکیبایی شاعر در راه رسیدن به مقصود / (4) اظهار نیاز به صبر و شکیبایی در عشق

21. گزینه‌ی «4» مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (4)، این است که بندگان مقرب، بیشتر در معرض بلا و آسیب قرار دارند.

بررسی مفهوم دیگر گزینه‌ها: (1) لزوم پاکبازی عاشق در عشق / (2) گله و شکایت عاشق از بدعهدی و جفای معشوق / (3) ارزشمندی غم عشق برای عاشق؛ به ودیعه نهاده شدن عشق در وجود انسان

22. گزینه‌ی «3» مفهوم بیت: نارضایتی و پشیمانی شاعر از زندگی در صفحه‌ی آفرینش

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: نقش مؤثر عوامل طبیعی (محیط / اقیانوس)، ابر و باد و خورشید و ...) در رسیدن انسان به کمال

23. گزینه‌ی «2» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (2)، «نکوهش ظاهری‌بینی در عشق» است.

بررسی مفهوم دیگر گزینه‌ها:

(1) لازمه‌ی رشد و تعالی، داشتن قابلیت ذاتی است. (3) ترجیح داشتن سیرت (باطن) بر صورت (ظاهر) / (4) اظهار شگفتی از قدرت و توانایی خداوندی در آفرینش موجودات (فتیارک الله احسن الخالقین)

24. گزینه‌ی «1» مفهوم بیت، «پای‌بندی عاشق به معشوق در عشق است». اما مفهوم مشترک منظومه‌ی «خوان هشتم» و سایر گزینه‌ها:



سایت برتر
جشنواره و ب
ین موسسات
آموزشی

پورتال اینترنتی
انتشارات مهروماه
www.mehromah.ir



* هیچ وقت تعطیل نیستیم
به سایت ما سریزند!

نسل نو / آموزش نو

همیشه تخفیف در فروشگاه اینترنتی،
آخرین ویرایش کتاب‌های مهروماه در
دسترس شماست

shop.mehromah.ir



فروشگاه مجازی



اپلیکیشن‌های آموزشی
متناسب با محتوای
کتاب‌های مهروماه قابل
نصب در موبایل و تبلت



آزمون‌های آنلاین با ارائه
ترازو و رتبه بین داوطلبان



کتاب‌ها

تاژه‌های نشر مشاهده نمونه صفحات
محتوای تکمیلی کتاب‌ها (پاسخ‌نامه
تشrifی، نمونه سوالات و ...) اطلاعات
تکمیلی کتاب‌های مهروماه کتاب‌های
دردست چاپ



فروشگاه‌تلفنی: ارسال
رایگان کتاب به همه جا
۶۶۴۷۹۳۱۱

فهرست نمایندگی‌های
مهروماه در سراسر
کشور



برنامه نمایشگاه‌های
استانی + دریافت بن
تخفیف

با مراجعه به بخش ویرایش
نامه پیشنهادات ویرایشی خود
را برای ما ارسال کنید و کتاب
های مهروماه را به انتخاب
خودتان هدیه بگیریدا اسامی
برندگان را روی سایت ببینید!



ویرایش نامه



سرگرمی و مسابقه

با عضویت در خبرنامه از
آخرین اخبار، تازه‌های نشر،
نمایشگاه‌های کتاب و طرح‌های
تخفیفی فروشگاه آنلاین مطلع
شویدا



خبرنامه

محتوای آموزشی

آخرین تغییرات کتاب‌های درسی
انیمیشن‌های آموزشی
سوالات کنکور، امتحانات نهایی
و هماهنگ کشوری
معرفی رشته و دانشگاه

تحلیل کنکور از زبان
برجسته‌ترین استادی
کشور

تماس با ما
دفتر مرکزی: ۰۲۱۶۶۴۰۸۴۰۰-۲ واحد فروش و نمایندگی‌ها:
۰۲۱۶۶۴۰۸۴۰۳
روابط عمومی: ۰۲۱۶۶۹۶۸۵۸۹ | پیامک: ۰۲۱۶۶۹۶۸۵۸۹
فروشگاه تلفنی: ۰۲۱۶۶۴۷۹۳۱۱
www.mehromah.ir
پورتال: shop.mehromah.ir
فروشگاه اینترنتی: shop.mehromah.ir



برنامه‌ریزی و مشاور
آنلاین (بزودی)

فهرست کتاب‌های انتشارات مهر و ماه



تاریخ بروزرسانی: ۹۴/۰۵/۲۴

سایر اطلاعات اخبار مهندسی لطفاً مقطوع و شته خود را به شماره ۰۰۷۲۱۲۳۰۰۳ سامک کنید.

های اطلاع از قیمت و بیشگاه کتاب گافست کد آن را به همین شماره بامک کنید (هر کد دو یک بامک).

دای، اطلاع از کتاب‌های دست حاب و تاریخ آن، عدد ۱۳، ابای، مابامک کند.

عنوان کتاب		عبارت‌های شیمی کنکور		وازگان عربی کنکور		کتاب‌های موضوعی	
۳۵۱	ادبیات جامع کنکور(۵ گنج)	۳۰۱	فیزیک ۳	۶۰۵	عربی همراه	۳۱۰	ادبیات همراه کنکور
۳۵۲	عربی جامع کنکور	۳۱۰	شیمی ۲	۶۰۶	لغت و املای ادبیات	۳۱۲	دین و زندگی جامع کنکور
۳۵۳	دین و زندگی جامع کنکور	۳۱۲	شیمی ۳	۶۰۷	آرایه‌های ادبی	۳۱۳	زبان انگلیسی جامع کنکور
۳۵۴	بانک تست عربی جامع (سیرتاپیاز)	۳۱۳	شیمی ۴ (پیش ۱ و ۲)	۶۰۸	زبان فارسی	۳۱۴	بانک تست فارسی ۲
۳۵۵	ادبیات فارسی ۳	۴۰۰	کتاب‌های رشتہ انسانی	۶۰۹	تاریخ ادبیات	۴۰۱	ادبیات فارسی ۴
۳۵۶	زبان و ادبیات فارسی ۴	۴۰۱	ریاضیات انسانی جامع کنکور	۶۳۷	مفهوم و قرابت معنایی	۴۰۲	زبان و ادبیات فارسی ۵
۳۵۷	عربی ۲	۴۰۲	اقتصاد جامع کنکور	۶۱۰	پیام آیات دین و زندگی	۴۰۳	زبان و ادبیات فارسی ۶
۳۵۸	معجزه زیست کنکور	۴۰۳	تاریخ جامع کنکور	۶۱۱	حفظیات شیمی	۴۰۴	معجزه زیست کنکور
۳۵۹	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۰۴	جغرافی جامع کنکور	۶۱۲	تصاویر و مفاهیم شیمی	۴۰۵	زمین‌شناسی جامع کنکور
۳۶۰	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۰۵	علوم اجتماعی جامع کنکور	۶۱۳	مسائل شیمی کنکور	۴۰۶	زمین‌شناسی جامع کنکور
۳۶۱	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۰۶	روان‌شناسی جامع کنکور	۶۱۴	فرمول‌ها و تصاویر فیزیک	۵۰۰	کتاب‌های آخر (مرور و جمع بندی)
۳۶۲	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۰۷	تکنیک‌های برتر فیزیک کنکور	۶۱۵	دستگاه‌های بدن انسان	۵۰۱	کتاب آخر گنجینه فیزیک کنکور
۳۶۳	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۰۸	قید نامه زیست شناسی	۶۱۶	دستگاه‌های بدن انسان	۵۰۲	کتاب آخر شیمی کنکور
۳۶۴	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۰۹	زیست گیاهی	۶۱۷	زیست جانوری	۵۰۳	کتاب آخر ریاضیات پایه و دیفرانسیل
۳۶۵	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۰	چکیده‌زنیک	۶۱۸	زیست چندرسانه‌ای	۵۰۴	کتاب آخر گرسنته و جبر و احتمال
۳۶۶	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۱	باکتری‌ها و ویروس‌ها	۶۱۹	باکتری‌ها و ویروس‌ها	۵۰۵	کتاب آخر ریاضیات تجربی کنکور
۳۶۷	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۲	کانی‌ها و سنگ‌ها	۶۲۰	باکتری‌ها و ویروس‌ها	۵۰۶	لغت نامه زیست کنکور
۳۶۸	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۳	ریاضیات تجربی	۶۲۱	کانی‌ها و سنگ‌ها	۵۰۷	زمین‌شناسی جامع کنکور
۳۶۹	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۴	ریاضیات پایه و دیفرانسیل	۶۲۲	ریاضیات تجربی	۵۰۸	زمین‌شناسی جامع کنکور
۳۷۰	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۵	تکنیک‌های محاسبات سریع ریاضی	۶۲۳	هندرس و گرسنته	۵۰۹	پاسخ‌نامه زیست شناسی و آزاد
۳۷۱	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۶	وائز نامه عربی انسانی	۶۲۴	تکنیک‌های محاسبات سریع ریاضی	۵۱۰	پاسخ‌نامه آموزش و کارزینت
۳۷۲	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۷	روان‌شناسی کنکور	۶۲۵	تکنیک‌های هندسه و گرسنته	۵۱۱	آموزش و کارزینت شناسی و آزاد
۳۷۳	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۸	حافظیات ادبیات انسانی	۶۲۶	تکنیک‌های هندسه و مدلسازی کنکور	۵۱۲	پاسخ‌نامه آموزش و کارزینت
۳۷۴	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۱۹	لغت و املای ادبیات انسانی	۶۲۷	کتاب آخر زبان انگلیسی کنکور	۵۱۳	زمین‌شناسی و آزاد (نموداری)
۳۷۵	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۰	تکنیک‌های ضرب سریع	۶۲۸	کتاب آخر دین و زندگی کنکور	۵۱۴	زمین‌شناسی و آزاد (نموداری)
۳۷۶	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۱	فلسفه و منطق سال سوم	۶۲۹	کتاب آخر آمار و مدلسازی کنکور	۵۱۵	زمین‌شناسی پیش ۱ و ۲ (نموداری)
۳۷۷	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۲	فلسفه سال چهارم	۶۳۰	کتاب آخر زبان انسانی کنکور	۵۱۶	زمین‌شناسی پیش ۱ و ۲ (نموداری)
۳۷۸	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۳	تاریخ کنکور	۶۳۱	کتاب آخر زبان انسانی کنکور	۵۱۷	زمین‌شناسی و آزاد (به زبان کنکور)
۳۷۹	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۴	جغرافی کنکور	۶۳۲	کتاب آخر تاریخ کنکور	۵۱۸	کتاب‌های رشتہ ریاضی
۳۸۰	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۵	علوم اجتماعی کنکور	۶۳۳	کتاب آخر فلسفه و منطق کنکور	۵۱۹	بانک تست دیفرانسیل و ریاضیات پایه
۳۸۱	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۶	کتاب‌های جیبی لقمه	۶۳۴	کتاب آخر علوم اجتماعی کنکور	۵۲۰	هندرس گرسنه و تحلیلی
۳۸۲	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۷	تکنیک‌های ضرب سریع	۶۳۵	کتاب آخر فلسفه و منطق کنکور	۵۲۱	بانک تست گرسنه و هندسه تحلیلی
۳۸۳	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۸	تکنیک‌های جمع و تفرقه سریع	۶۳۶	کتاب آخر روان‌شناسی کنکور	۵۲۲	ریاضیات گرسنه و جبر و احتمال جامع
۳۸۴	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۲۹	تکنیک‌های جمع و تفرقه سریع	۶۳۷	کتاب آخر تاریخ کنکور	۵۲۳	ریاضیات گرسنه و جبر و احتمال جامع
۳۸۵	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۳۰	وائزگان سطر به سطر زبان انگلیسی	۶۳۸	کتاب آخر روان‌شناسی کنکور	۵۲۴	حسابان جامع
۳۸۶	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۳۱	تکنیک‌های تقسیم سریع	۶۳۹	کتاب آخر تاریخ کنکور	۵۲۵	حسابان جامع
۳۸۷	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۳۲	تکنیک‌های جذر سریع	۶۴۰	کتاب آخر جغرافی کنکور	۵۲۶	بانک تست گرسنه و هندسه تحلیلی
۳۸۸	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۳۳	تکنیک‌های امثلتات سریع	۶۴۱	کتاب‌های جیبی پایه	۵۲۷	ریاضیات گرسنه و جبر و احتمال جامع
۳۸۹	زمین‌شناسی جامع کنکور	۴۳۴	درگ متون زبان انگلیسی	۶۴۲	کتاب‌های جیبی و تجربی	۵۲۸	کتاب‌های مشترک (ریاضی و تجربی)
۳۹۰	فیزیک جامع کنکور	۶۰۱	وائزگان سطره به سطره زبان انگلیسی	۶۴۳	کتاب‌های جیبی و تجربی	۵۲۹	فیزیک جامع کنکور
۳۹۱	شیمی جامع کنکور	۶۰۲	تکنیک‌های زبان کنکور (۱۲۰ words)	۶۴۴	فیزیک پایه	۵۳۰	شیمی جامع کنکور
۳۹۲	معجزه فیزیک کنکور	۶۰۳	تکنیک‌های زبان کنکور (۱۲۰ words)	۶۴۵	گرامر کاربردی زبان انگلیسی	۵۳۱	معجزه فیزیک کنکور
۳۹۳	فیزیک پایه	۶۰۴	درگ متون زبان انگلیسی	۶۴۶	فیزیک پایه	۵۳۲	فیزیک پایه
۳۹۴	فیزیک پایه	۶۰۵	گرامر سال چهارم زبان انگلیسی	۶۴۷	فیزیک پایه	۵۳۳	فیزیک پایه



مفاهیم و قرابت‌های معنای



- در بردازندۀ تمام مفاهیم کتاب‌های ادبیات ۲، ۳، ۴ و زبان فارسی ۳
- آموزش مفاهیم کلی و موضوعی تکمیلی
- بررسی تناسب‌های سطحی به سطح کتاب‌های درسی
- دارای حدود چهار هزار بیت مناسب مفهومی کتابی و فراکتابی
- تست‌های برگزیده سراسری و تالیفی
- آموزش نحوی درست‌خوانی و پاسخ‌گویی به تست‌های مفهومی

پاسخ درست به ادبیات کنکور با لقمه‌های مهرومراه



انتشارات مهرماه



مهمترین مواردی که در این کتاب می‌بینید عبارتند از:

- ✓ خانم لرس همچو زبان ادبیات فارسی، از برادرانشی علیش سرفصل‌های ادبیات کنکور
- ✓ شامل کتابهای ادبیات ۲، ۳ و ۴ (سنندجگاه) و زبان فارسی
- ✓ در بیان آنچه مولوی، رفیعی، ابراهیم و املا و ترکیب‌های کتاب ۲، طاهره و ناصره‌ای بهترین ۲ از اینها و
- ✓ کتابهای شعری ۲، لاریج ادبیات و فرهنگ ۵، زبان فارسی و تاریخ
- ✓ بین از ۲۰۰ برترین جهانگردی‌های تاریخ، کنکور سراسری، متخلص و استاد دانشگاه‌های ایرانی
- ✓ شامل تاریخ‌های از گوئی‌های سروشوی اخیر و سوالات سایه کنکور
- ✓ به هدایا احتفالات از گوئی‌های سراسری و سختی ۱۳۹۷ با راسخ سراسری



eBayFarsi

بازارچه خرید و فروش کتاب و محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://eBayFarsi.com>

مجله آنلاین نقد و بررسی محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://mag.eBayFarsi.com>